

وقف کتابخانه آستان قدس و مطبعه
والله - مرحوم استاد سید محمد باقر مولوی
مریضی سبزواری صاحب
۱۳۰۵ هـ

آستان قدس

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب فوائد الصمد

مصنف
مؤلف

شیخ بھائی

ضمیمہ: «اکبری» ناقص

نسخ ۹ سوره نوحه ششمین

سال ~~پہلی~~ انحریر ۱۲۶۱ ق عدد اوراق ۵۴

جزء کتب نمبر شماره خصوصی 4N

شماره عمومی ۳ ۱۴۷۹ شماره قبض ۵۷۴

واقف سید محمد باقر سمنواری تاریخ وقف

طول ۲۱ (۲۱) عرض ۵ (۵) شماره صفحات

۷. *تجدید روح در اسلام* ۱۳۵۹. ملکی محمد ابراهیم
زیاده نیل رفیع صمد داراب

V-1 R 1 RE
OWB

هذه رسالة من
مكتبة جامعة
بغداد

१५३

عندنا
عندنا

۱۰۰۰ سالہ آستانِ مقدس، مدینہ منورہ

الشرف المهر وهو المايه
 من القطع من الفاعل
 حسين
 ونازق قد بالليل

(Faint handwritten Persian script)

احسن کنه احسن مبتدا است اگر کن بحث کند باید مبتدا معرفه باشد
و مبتدا واقع شده بر اثر انش بر سه وجه جواب و هم اول آنکه هر چیزی که مقدم باشد غلام
عبد بنی احسن اعتبار مبتدا است و هم آنکه احسن تعسیه گویم به غلام زید زیرا که زید قرار دهنده
اگر بر سه معرفه اضافه شود آن وقت آن نکره معرفه شود و چون اضافه شده بر نکره
اگر گوید احسن افضل الفصید است افضل الفصید است توفیق نمیکند بر آنکه اضافه لفظیت

جواب گویم کتب تحقیق الوقت کند که نکره حصه باشد این نکره موصوفه است
نقل مبتدیه به الکلام با جملش بر این صفت افتاده است پس مبتدیه
نقل مبتدیه به الکلام با جملش بر این صفت افتاده است پس مبتدیه
نقل مبتدیه به الکلام با جملش بر این صفت افتاده است پس مبتدیه

[illegible]

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد الانام محمد وآله
البركة الكرام سبلانهم على الذي يصبر على الاسلام وهو
لكم الاصنام حان اغناق النواصب للنام واضع علم الخو
من هذا الفرق انفعه اعلم ومعرفة للمبدين هم وتضمنت قوا
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد الانام محمد وآله
البركة الكرام سبلانهم على الذي يصبر على الاسلام وهو
لكم الاصنام حان اغناق النواصب للنام واضع علم الخو
من هذا الفرق انفعه اعلم ومعرفة للمبدين هم وتضمنت قوا

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد الانام محمد وآله
البركة الكرام سبلانهم على الذي يصبر على الاسلام وهو
لكم الاصنام حان اغناق النواصب للنام واضع علم الخو
من هذا الفرق انفعه اعلم ومعرفة للمبدين هم وتضمنت قوا
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد الانام محمد وآله
البركة الكرام سبلانهم على الذي يصبر على الاسلام وهو
لكم الاصنام حان اغناق النواصب للنام واضع علم الخو
من هذا الفرق انفعه اعلم ومعرفة للمبدين هم وتضمنت قوا

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد الانام محمد وآله
البركة الكرام سبلانهم على الذي يصبر على الاسلام وهو
لكم الاصنام حان اغناق النواصب للنام واضع علم الخو
من هذا الفرق انفعه اعلم ومعرفة للمبدين هم وتضمنت قوا
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد الانام محمد وآله
البركة الكرام سبلانهم على الذي يصبر على الاسلام وهو
لكم الاصنام حان اغناق النواصب للنام واضع علم الخو
من هذا الفرق انفعه اعلم ومعرفة للمبدين هم وتضمنت قوا

[illegible][illegible]

الحمد لله
الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لاه
الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لاه

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, written in a cursive style.

واتفقوا في ذلك
 معقلا لله واهل بيته
 اولادهم اهل بيته
 والارض على اهل بيته
 والكرسي لونه
 لون البدر المضيئ
 حجة خير نبي
 خير الانبياء

١٠٠٠

[illegible]

١
 ٢
 ٣
 ٤
 ٥
 ٦
 ٧
 ٨
 ٩
 ١٠
 ١١
 ١٢
 ١٣
 ١٤
 ١٥
 ١٦
 ١٧
 ١٨
 ١٩
 ٢٠
 ٢١
 ٢٢
 ٢٣
 ٢٤
 ٢٥
 ٢٦
 ٢٧
 ٢٨
 ٢٩
 ٣٠
 ٣١
 ٣٢
 ٣٣
 ٣٤
 ٣٥
 ٣٦
 ٣٧
 ٣٨
 ٣٩
 ٤٠
 ٤١
 ٤٢
 ٤٣
 ٤٤
 ٤٥
 ٤٦
 ٤٧
 ٤٨
 ٤٩
 ٥٠
 ٥١
 ٥٢
 ٥٣
 ٥٤
 ٥٥
 ٥٦
 ٥٧
 ٥٨
 ٥٩
 ٦٠
 ٦١
 ٦٢
 ٦٣
 ٦٤
 ٦٥
 ٦٦
 ٦٧
 ٦٨
 ٦٩
 ٧٠
 ٧١
 ٧٢
 ٧٣
 ٧٤
 ٧٥
 ٧٦
 ٧٧
 ٧٨
 ٧٩
 ٨٠
 ٨١
 ٨٢
 ٨٣
 ٨٤
 ٨٥
 ٨٦
 ٨٧
 ٨٨
 ٨٩
 ٩٠
 ٩١
 ٩٢
 ٩٣
 ٩٤
 ٩٥
 ٩٦
 ٩٧
 ٩٨
 ٩٩
 ١٠٠

[illegible][illegible]

وَأَتَقَفَ فِي الْغِيَا
مَكَانًا لَّهُ إِعْصَادٌ
أَوَّلَهُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
لَوْلَا أَنَّهُ لَمْ يَضَعْ
وَالْبَرُّ عَنِ الْغِيَا
وَلَكِنْ كَرِهُوا
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
مَحْذُورٌ فِي الْغِيَا
وَالْبَرُّ عَنِ الْغِيَا
وَلَكِنْ كَرِهُوا

۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲
 ۴۸۳
 ۴۸۴
 ۴۸۵
 ۴۸۶
 ۴۸۷
 ۴۸۸
 ۴۸۹
 ۴۹۰
 ۴۹۱
 ۴۹۲
 ۴۹۳
 ۴۹۴
 ۴۹۵
 ۴۹۶
 ۴۹۷
 ۴۹۸
 ۴۹۹

و در این کتاب که در این کتابخانه است

وإلا النار وضعها الأخ الأصغر عبد الله بن عبد الصمد

من العلماء العاملين ونفعهم وأجمعهم الممّنون ولهم على

خمسہ حدائق الحديقة الرفاعية في مقامات الخلع

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

هذا منقول من كتابه رحمه الله تعالى في بعض من عرف الخلفاء
 زبيرا كحديق اوله في بعض كلامه

[illegible]

والله اعلم بالصواب

والكلام لفظ مفيد بالاسناد ولا ياتي في اسمي وضع
 يخرج من ذلك لا يفيد كقولهم
 يخرج مفيد بالاسناد كقولهم
 يخرج مفيد بالاسناد كقولهم

فعل واسم ايضاح الاسم كلمة معناها مستقل غير متغير باحد

[illegible][illegible]

[Faint handwritten notes in Arabic script, likely bleed-through from the reverse side of the page.]

المادة الأولى للصيغة
التي يكون اليه
القول في

[Faint handwritten text in Arabic script, likely bleed-through from the reverse side.]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

[illegible]

واذا قيلت للذكر ان كلمة
 وكلمة عتبط
 مفعول وعمل
 من حفظه بقدر
 بحركات ومنه نقص
 بحرف فرغ من كلمة الماعية
 واذا اضيف الى المفعول الذي
 هو المصدر والاعراب
 بحركات
 الاصل
 للمعنى يكون
 حركاته تقدير
 فان افرد
 سقط لا تقاوم
 ان يثنى نحو جاتي
 لكما الرقيق ودرت
 على كمال البطولي واذا
 اضيف الى المصدر الذي
 المفعول وجواب عنه الذي
 هو المفعول واعني نحو والتم
 المفعول نحو جاتي فلهما
 رابت كلمتهما
 ررت بقها
 فبدا
 لك
 يكون موبيا بحرف اذا
 اضيف الى المصدر
 واسأل الله
 استأن وتعلم فان
 هذه الالفاظ وان كانت
 مفعولا للمعنى صورته صورة
 الشيئية ومعناها مع
 فاحققت بها يا لاهوت
 رفق وبها
 نصبا وعلا
 ما عدا
 كمال

بسم الله الرحمن الرحيم

نصف گفته اند
بمعرفی ده شدن
رفع گفته اند
چونکه بمعرفی
جوزا جره گفته
چونکه بمعرفی
جزم در آن
چونکه گفته اند
قطع
این
شأن
فم
شأن

بسم الله الرحمن الرحيم
حکم از آنکه هر حرف مرکب که از کلمات اینها مرکب گردد
به شرط شرط اول در مصنف که شرط الثاني در اضافه کردن ضمیر باشد
و کلاً و کلاً هر حرف مرکب که در جواب هر حرف است مانند نه گفته
چون ضمیر مرکب حرف است اینها را هم باین حد تعمیم مرکب حرف کرده ایم
چونکه باید مصنف را باید جواب هر حرف در هر گاه مصنف باشد باید متوجه باشد
چون متوجه نماید انتهای کلمه که الف و لام در آخر حرفی در قاعده اعراب کلمات
باین جهت باید مصنف که مرکب کند در اضافه کردن ضمیر به جواب مرکب در هر گاه
لواظ هر اضافه که مرکب گردد در هر حرف که مرکب کند در اواخر هر اضافه که مرکب
گردد مرکب و در ضمیر اضافه که مرکب گردد مرکب و جواب مرکب که کلاً و کلاً
باعتبار لفظ مفرد است و اعتبار معنا ضمیر است لفظ افعال و مفرد هم افعال
تفاوت مرکب افعال مرکب که گفته و ضمیر است و ضمیر هم حرف است و هم تقاضا
مرکب مرکب حرف که در هر افعال است و ضمیر حرف است هر گاه لواظ هر اضافه
که طرف افعال و ضمیر باشد مرکب گردد مرکب و در هر گاه طرف ضمیر اضافه
که ضمیر حرف است طرف حرف و ضمیر مرکب گردد مرکب حرف و ضمیر است و اعلم

بسم الله الرحمن الرحيم

الثالث در اربع از آنجا که هر حرف مرکب که در کلمات اینها مرکب گردد
مرکب گردد مرکب که در جواب هر حرف است و جمع فرعی و جمع فرعی
مرکب جواب مرکب که گفته اند که گفته اند جمع فرعی و جمع فرعی
مرکب حرف است هر گاه اینها مرکب گردد مرکب که گفته اند جمع فرعی و جمع فرعی
مرکب که در جواب هر حرف است اینها به بعضی حرف مرکب گردد مرکب جواب
مرکب در حرف اعراب است الف و لام و ادویه و حروف اعراب در کلمات
و جمع تثنی است و در تثنی نوا و ادویه و تقسیم هر قسم مرکب افعال
کاتب فرعی گفته در هر حرف مرکب که گفته اند الف و لام و ادویه و حروف اعراب
بعد در اینجا هم علامت فرعی در اسم و فعل هم مناسب باشد و ادویه
کاتب فرعی جمع در هر حرف مرکب که گفته اند الف و لام و ادویه و حروف اعراب
بعد در اینجا هم علامت فرعی در اسم و فعل هم مناسب باشد و ادویه
در حالت جمع و جمع مرکب که گفته اند الف و لام و ادویه و حروف اعراب
و نصب هم علامت فرعی در هر حرف مرکب که گفته اند الف و لام و ادویه و حروف اعراب
چونکه گفته اند نصب و در هر حرف مرکب که گفته اند الف و لام و ادویه و حروف اعراب
مرکب که گفته اند نصب و در هر حرف مرکب که گفته اند الف و لام و ادویه و حروف اعراب

و آنکه باید که در کلمات
و کلاً و کلاً
بمعرفی ده شدن
رفع گفته اند
چونکه بمعرفی
جوزا جره گفته
چونکه بمعرفی
جزم در آن
چونکه گفته اند
قطع
این
شأن
فم
شأن
بسم الله الرحمن الرحيم
الثالث در اربع از آنجا که هر حرف مرکب که در کلمات اینها مرکب گردد
مرکب گردد مرکب که در جواب هر حرف است و جمع فرعی و جمع فرعی
مرکب جواب مرکب که گفته اند که گفته اند جمع فرعی و جمع فرعی
مرکب حرف است هر گاه اینها مرکب گردد مرکب که گفته اند جمع فرعی و جمع فرعی
مرکب که در جواب هر حرف است اینها به بعضی حرف مرکب گردد مرکب جواب
مرکب در حرف اعراب است الف و لام و ادویه و حروف اعراب در کلمات
و جمع تثنی است و در تثنی نوا و ادویه و تقسیم هر قسم مرکب افعال
کاتب فرعی گفته در هر حرف مرکب که گفته اند الف و لام و ادویه و حروف اعراب
بعد در اینجا هم علامت فرعی در اسم و فعل هم مناسب باشد و ادویه
کاتب فرعی جمع در هر حرف مرکب که گفته اند الف و لام و ادویه و حروف اعراب
بعد در اینجا هم علامت فرعی در اسم و فعل هم مناسب باشد و ادویه
در حالت جمع و جمع مرکب که گفته اند الف و لام و ادویه و حروف اعراب
و نصب هم علامت فرعی در هر حرف مرکب که گفته اند الف و لام و ادویه و حروف اعراب
چونکه گفته اند نصب و در هر حرف مرکب که گفته اند الف و لام و ادویه و حروف اعراب
مرکب که گفته اند نصب و در هر حرف مرکب که گفته اند الف و لام و ادویه و حروف اعراب

و در هر کلمه که در این کتاب است

نصف کلمه اند

بمعنی ده شدن

رفع کلمه

چونکه بمعنی بلند

جوراجه کلمه

چونکه بمعنی راجه

جزم در راز

چونکه در فقه

قطع

شال فو

شال فو

شال فو

شال فو

شال فو

شال فو

شال فو

شال فو

توینیم قیم

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

بمعنی

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

و اما قید

والمعروف بالاسم

نعت كفت اند
مغز و ده شدن
رفع كفت
جوز كفت
جوز كفت
جوز كفت

جوز كفت
جوز كفت
جوز كفت
جوز كفت

جوز كفت
جوز كفت
جوز كفت
جوز كفت

والمعروف بالاسم
نعت كفت اند
مغز و ده شدن
رفع كفت
جوز كفت
جوز كفت
جوز كفت

جوز كفت
جوز كفت
جوز كفت
جوز كفت

جوز كفت
جوز كفت
جوز كفت
جوز كفت

اعلج

والمعروف بالاسم

نعت كفت اند

مغز و ده شدن

رفع كفت

جوز كفت

جوز كفت

جوز كفت

والمعروف بالاسم
نعت كفت اند
مغز و ده شدن
رفع كفت
جوز كفت
جوز كفت
جوز كفت

جوز كفت
جوز كفت
جوز كفت
جوز كفت

جوز كفت
جوز كفت
جوز كفت
جوز كفت

جوز كفت
جوز كفت
جوز كفت
جوز كفت

اعلج

والمعروف بالاسم

نعت كفت اند

مغز و ده شدن

رفع كفت

جوز كفت

جوز كفت

جوز كفت

هذا كتاب في علم النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين

هذا كتاب في علم النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين

وبما الهرة اوبا النون والفعل الابتداء والفعل التخييل
والخوبذ لك نحو نداء اوبقو وما ينظر في بعض هذه الموضع
كافوا انا فاكدا الفاعل كفا انا
الثاني ان كان فاعله ظاهر حقيقي الثاني كفا فاعله هذا
منصلا مطلقا كفا فاعله الشمس طلعت ذلك الجار مع الظاهر
اللفظي كفا وطلع الشمس ويخرج ذكرها مع الفضل
الاخوذ دخلنا ودخل الدار منذ ذكرها مع الفضل
بافلام الاخرة وكذا في باب نعم وبس نحو نعم المرأة هند
والاصل فاعله على المفعول وجب لك اذا خفي اللبس كان
وقد كجب

ضمير متصل والمفعول متاخر عن الفعل ويمنع اذا اتصل

ضمير المفعول وانصل المفعول ما الفعل وهو غير متصل

نائب فاعل وهو المفعول الفاعل مقام الفاعل وصيغة فعله

او بفعل ولا يقع به الثاني بانك لا تقول انك لا

مفعولا له ولا مفعولا مع وينبغي للمفعول به فان لم يكن

لجميع سواء المبتدأ والخبر المبتدأ هو اسم مجرد عن

العوامل اللفظية مسند اليه او الصفة الواصفة بعد الفاعل

والاستفهام رافعة للظاهر او حكمه فان طابق مفعول

هذا كتاب في علم النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين

هذا كتاب في علم النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين

هذا كتاب في علم النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين

هذا كتاب في علم النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين

هذا كتاب في علم النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين

هذا كتاب في علم النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين

هذا كتاب في علم النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين

هذا كتاب في علم النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين

هذا كتاب في علم النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين

هذا كتاب في علم النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين
في معرفة احوال النحويين

مستطابقاً مع جدول الزوايا المحيطة من الجدول

نحو رتبة قلم في كل نصفه من طرفي وسطية كسب الوصل

نحو ما قام به ان قام محزبة

ايه ان تشبه بخر او سطحية كسب

وَمَا الْمُتَرَاوِيَةُ وَالنُّونَ وَالْفِعْلَ الْإِسْتِثْنَاءَ وَالْفِعْلَ الْفِعْلَ الْفِعْلَ
وَالْحَوْذُ الْكُحُولُ الْفَاعِلُ الْفَاعِلُ الْفَاعِلُ الْفَاعِلُ الْفَاعِلُ الْفَاعِلُ
كَافُوْنَا فَكَافُوْنَا فَكَافُوْنَا فَكَافُوْنَا فَكَافُوْنَا فَكَافُوْنَا فَكَافُوْنَا فَكَافُوْنَا
الْثَانِيْنَ كَانَ فَاعِلُهُ ظَاهِرٌ حَقِيقِي الْثَانِيْنَ كَفَامُ هَذَا وَهَذَا
مَنْصُلًا مَقْلًا كَمَا هَذَا فَكَافُوْنَا فَكَافُوْنَا فَكَافُوْنَا فَكَافُوْنَا فَكَافُوْنَا فَكَافُوْنَا
الْمُقْضَى طَلْعًا وَطَلْعُ الشَّمْسِ وَتَبَيُّحُ ذِكْرِهِمَا مَعَ الْفِعْلِ
الْأَخُوذُ خَلْنَا وَدَخَلَ الدَّارَ مَسْدُورًا فَكَافُوْنَا فَكَافُوْنَا فَكَافُوْنَا فَكَافُوْنَا فَكَافُوْنَا فَكَافُوْنَا
مَقَامُ الْأَمْرِ وَكَذَا فِي بَابِ نَعْمَ وَبَلَسَ خَوْفُ الْمَرْءِ هَذَا
وَالْأَصْلُ نَقْدُهُ عَلَى الْمَفْعُولِ وَجَبَّ لَكَ إِذَا خِيفَ الْمَلِكُ كَانَ
وَالْأَصْلُ نَقْدُهُ عَلَى الْمَفْعُولِ وَجَبَّ لَكَ إِذَا خِيفَ الْمَلِكُ كَانَ

هذا هو الكتاب الذي كتبه الشيخ الفاضل...
في بيان أصول النحو
 من تأليف...
 هذا الكتاب هو من الأصول النحوية...
في بيان أصول النحو
 من تأليف...
 هذا الكتاب هو من الأصول النحوية...
في بيان أصول النحو
 من تأليف...
 هذا الكتاب هو من الأصول النحوية...

منها بعل عملها **بختص** كان جواز حذف النون مضار
المجرم بالسكون **ولم** اكد ليعاد شرط عدم اتصاله بصير
نصب ولا ساكن ومن غير له بحرف في نحو لم تكن ولم يكن الله
لبنفله **ولكن** في نحو الناس خرجون باعمالهم خبر الجواب
نشر اربعة اوجه نصب الاول ورفع الثاني وضعهما
وضعهما وعكس الاول والاول اقوى والاخر اضعف
والنوسطان المتوسطان **الحروف** المشبهة بالفعل
وهي وان كانا لكن وليت وعل وعملها عكس عمل كان ولا
تقدم احد معموليها عليها مطلقا ولا خبرها على اسمها
ان كانا في جملتها

منها بعل عملها
المجرم بالسكون
نصب ولا ساكن
لبنفله
نشر اربعة اوجه
وضعهما وعكس
والنوسطان
وهي وان كانا
تقدم احد معموليها

نحو انما بد قائم والمصدران حل محل ان فتح هـ واو
كسر وان خان الامر باز الامر ان نحو ولم يكنهم ان اول
وقال في عبد الله واو فولي اني احمد الله والمعطوف على
سماؤه المحيطة منصوب ويخصر ان ولكن جواز
رفعه بشرط معنى الخبر **ما** ولا المتجانين ليس ونفلا
عملها بشرط بقاء النفي والخبر وبشرط في طاعه بقاء
ان معا وفي لا تنكر معموليها فان احفظها الناء اختصت
بالاخبار **وكي** حذف اسمها نحو لان حلف من مناصي
ان كانا في جملتها

نحو انما بد قائم
كسر وان خان الامر
وقال في عبد الله
سماؤه المحيطة
رفعه بشرط معنى
عملها بشرط بقاء
ان معا وفي لا تنكر
بالاخبار

نحو انما بد قائم
كسر وان خان الامر
وقال في عبد الله
سماؤه المحيطة
رفعه بشرط معنى
عملها بشرط بقاء
ان معا وفي لا تنكر
بالاخبار

نحو انما بد قائم
كسر وان خان الامر
وقال في عبد الله
سماؤه المحيطة
رفعه بشرط معنى
عملها بشرط بقاء
ان معا وفي لا تنكر
بالاخبار

منها يعمل عملها **ب**مختص كان بجواز حذف نون مضار

المجزم بالسكون ولما كان بعد الشطر علم انضاله بضمير

نصب ولا ساكن ومن ثم لم يجر في نحو لم تكن ولم يكن الله

البنفعلين ولكن في نحو الناس خرجون باعمالهم خبرا فجر وان

شرا فتر اربعة اوجه بنصب الاول ورفع الثاني وفيهما

وبنهما وعكس الاول والاو اقوى والاخر اضعف

والموسطان المتوسطان **ال**حروف المشبهة بالفعل

وهي ان وان كان ولكن وليت وعلما عكس كان في

تقدم احد معموليها علما مطلقا ولا خبرا على اسمها لا

الاعمال

منها يعمل عملها...
المجزم بالسكون...
نصب ولا ساكن...
البنفعلين...
شرا فتر اربعة...
وبنهما وعكس...
والموسطان...
وهي ان وان...
تقدم احد...
الاعمال

خفا او باراجره اخوان في الك لبعي ونحفا فانكفا

نحو انما زيد قائم والمصدران حل محل ان فتح فمها والا

كسرت وان كان الامر انما ان نحو اوله يكفهم انما اوله

وقال في عبد الله واولي فولي اني احد الله والمعطوف على

سواء هذه الحروف منصوب ويختص ان وان لكن بجواز

رفعه بشرط مضي الخبر **ف**اولا المتجانين ليس ونفلا

عملها بشرط بقاء النفي وتاخي الخبر بشرط في طاعدم رتبة

ان معها وفي لا تنكر معمولها فان احفظها الناء اختصت

بالايجال وكذا اسمها نحو لايت حيا من ماضي

الاعمال

خفا او باراجره...
نحو انما زيد...
كسرت وان كان...
وقال في عبد...
سواء هذه...
رفعه بشرط...
عملها بشرط...
ان معها وفي...
بالايجال وكذا...
الاعمال

منها يعمل عملها...
المجزم بالسكون...
نصب ولا ساكن...
البنفعلين...
شرا فتر اربعة...
وبنهما وعكس...
والموسطان...
وهي ان وان...
تقدم احد...
الاعمال

وهو من باب التثنية او من باب التثنية او من باب التثنية
 صفة التثنية او من باب التثنية او من باب التثنية
 تامة التثنية او من باب التثنية او من باب التثنية
 على التثنية او من باب التثنية او من باب التثنية

لا النافعة للجنس وتعمل عمل ان تترادف دخول
 الجار عليها واسمها ان كان المضاف وشبهه نضوبه
 بني على ما ينصب به نحو رجل لا رجلين في الدار وبشرط

تكره ومباشرة لها فان عرفت او فصل التثنية وتكره نحو
 لا نيك في الدار ولا عمر ولا في الدار ولا امرأة

لا في نحو قول ولا فقه الا بالله خمسة اوجه
 فحتمها على الاصل بفهمها بالابداء او على الا

عمال كلبس فتح الاول ورفع الثاني بالعطف على الحمل
 او اعمال الثانية كلبس عكس الثالث على الاعمال اول

انصب	انصب	انصب	انصب
انصب	انصب	انصب	انصب
انصب	انصب	انصب	انصب
انصب	انصب	انصب	انصب

وهو من باب التثنية او من باب التثنية او من باب التثنية
 صفة التثنية او من باب التثنية او من باب التثنية
 تامة التثنية او من باب التثنية او من باب التثنية
 على التثنية او من باب التثنية او من باب التثنية

كلبس والغائها فتح الاول ونصب الثاني بالعطف
 على لفظه لمشابهة الفتح النصب ان افعال المقاربة

وهي كاد كبر او شك لدنو الخبر وعسى لجلاله وانشاء
 طفول للشروع فيه وتعمل عمل كان واخبارها جملته مبدوءة

بمضارع وتعمل في الاولين بخبره عن ان نحو ما كاد وبطلون
 وفي الاوسطين افتراء بهما نحو عسى ان يرحمكم وهي

الاخرين بمنفعة نحو طفول زيد بكنت عسى وانشاء وكبره
 للمضي وجاء بكاد وبوشك وبطفون مخبر عسى او

شك باستغنائها عن الخبر نحو عسى ان يفرق زيد واذا قلت

وهو من باب التثنية او ما اوله قلنا من باب التثنية
 صيغة التثنية في الفعل على ان لا يفتقر الى
 تاء كذا في التثنية ان لا يفتقر الى تاء كذا في التثنية
 على التثنية في التثنية او التثنية في التثنية

لا النافية للجنس ونعمل عمل ان تشرع عدم دخول
 الجار عليها واسمها ان كان المضاف وشبهه نصب ولا
 نبي على ما ينصب به نحو لا رجل الا رجلين في الدار وبشرط

شكرك ومباشرة لها فان عرف او فصل التثنية وكذا نحو
 لا رجل الا رجلين في الدار ولا امرأ الا امرأة

لا النافية للجنس ولا تفق الا بالله خمسة اوجه
 فحتم على الاصل بفعلها بالانبياء او على الا

عمال كليس فتح الاول ورفع الثاني بالعطف على المحل
 او اعمال التثنية كليس عكس الثالث على الاعمال اول

نصب	رفع	نصب	رفع
نصب	نصب	نصب	نصب
نصب	نصب	نصب	نصب
نصب	نصب	نصب	نصب
نصب	نصب	نصب	نصب

كلبس او الغائب الثاني فتح الاول ونصب الثاني بالعطف
 على لفظه لمشابهة الفتح النصب الثاني افعال المقارنة

وهي كاد كبر او شك لدنو الخبر وعسى لرجائه وانشاء
 طفو للشروع فيه ونعمل عمل كان واخبارها جملة مبدوءة

بمضارع وتعل في الاولين بخبره عن ان نحو ما كاد وبطلان
 وفي الاوسطين افتراءه بها نحو عسى ان يرحمكم وهي

الاخرى بمنعته نحو طوف زيد بك عسى وانشاء وكذا بلاء
 للمضي وجاء بكار وبوشك وبطيق بنحس عسى و

شك باستغنائها عن الخبر في نحو عسى ان يفرق زيد اذا قلت
 من افعال مقاربه ان يفرق في قوله عسى ان يفرق

وذكر في كتابه ان اول ما خلق الله تعالى من خلقه
 خلق الانسان من طين وخلق الله تعالى من طين
 خلق الانسان من طين وخلق الله تعالى من طين
 خلق الانسان من طين وخلق الله تعالى من طين

لا النافية للجنس ونعمل عمل ان ندر علم دخول
 الجار عليها واسمها ان كان المضارع وشبهه نضالاً
 بني على ما ينصبه نحو لا رجل في الدار وبشرط

لا نفي في الدار ولا في الدار ولا في الدار ولا في الدار
 لا نفي في الدار ولا في الدار ولا في الدار ولا في الدار
 لا نفي في الدار ولا في الدار ولا في الدار ولا في الدار

لا نفي في الدار ولا في الدار ولا في الدار ولا في الدار
 لا نفي في الدار ولا في الدار ولا في الدار ولا في الدار
 لا نفي في الدار ولا في الدار ولا في الدار ولا في الدار

لا نفي في الدار ولا في الدار ولا في الدار ولا في الدار
 لا نفي في الدار ولا في الدار ولا في الدار ولا في الدار
 لا نفي في الدار ولا في الدار ولا في الدار ولا في الدار

نصب	رفع	جر	مفعول
باطل	صحيح	صحيح	صحيح
صحيح	صحيح	صحيح	صحيح
باطل	باطل	باطل	باطل

لا النافية للجنس ونعمل عمل ان ندر علم دخول
 الجار عليها واسمها ان كان المضارع وشبهه نضالاً
 بني على ما ينصبه نحو لا رجل في الدار وبشرط

لا نفي في الدار ولا في الدار ولا في الدار ولا في الدار
 لا نفي في الدار ولا في الدار ولا في الدار ولا في الدار
 لا نفي في الدار ولا في الدار ولا في الدار ولا في الدار

لا نفي في الدار ولا في الدار ولا في الدار ولا في الدار
 لا نفي في الدار ولا في الدار ولا في الدار ولا في الدار
 لا نفي في الدار ولا في الدار ولا في الدار ولا في الدار

لا نفي في الدار ولا في الدار ولا في الدار ولا في الدار
 لا نفي في الدار ولا في الدار ولا في الدار ولا في الدار
 لا نفي في الدار ولا في الدار ولا في الدار ولا في الدار

وذكر في كتابه ان اربعة ايام اوله اوله اوله اوله
 حكمة الله في خلقه من اجل ان الله لا يخلق
 شيئا الا ليعلم ان الله لا يخلق شيئا الا ليعلم
 ان الله لا يخلق شيئا الا ليعلم ان الله لا يخلق شيئا الا ليعلم

الاول لا النافية للجنس وتعمل عمل ان شرع عدم دخول
 الجار عليها واسمها ان كان المضاف وشبهها به نصا ولا
 نفي على ما ينصب به نحو لا رجل لا رجلين في الدار وبشرط

تكرير ومباشرة لها فان عرف او فصل اهلها وكذا نحو
 لا رجل في الدار ولا رجل في الدار ولا رجل في الدار

لا رجل في الدار ولا رجل في الدار ولا رجل في الدار
 لا رجل في الدار ولا رجل في الدار ولا رجل في الدار

او اعمال التامة كلبس عاكس الثالث على الاعمال او
 كلبس عاكس الثالث على الاعمال او كلبس عاكس الثالث على الاعمال

الاول	الاول	الاول	الاول
الاول	الاول	الاول	الاول
الاول	الاول	الاول	الاول
الاول	الاول	الاول	الاول

كلبس او الغاية **الاول** فتح الاول ونصب الثاني باللفظ

وهي كاد كبر او شئك لدنو الخبر وعسى لرجائه وانتاء

طفو للشروع فيه وتعمل عمل كان واخبارها جملة مبدؤة

بمضارع وتعمل في الاولين خبرهم عن ان نحو ما كاد وتقبل

وفي الاوسطين افتراءه بها نحو عسى ان يرحمكم وهي

الاخرين ممنوعة نحو طفو زيد بكيت عسى وانتاء وكوبلة

للمضي وجاء بكاد وبوشك وبطفو بخبر عسى او

شك باستغنائها عن الخبر في نحو عسى ان يفرق زيدا واذا قلت

والاول والاول والاول والاول والاول والاول والاول والاول

والاول والاول والاول والاول والاول والاول والاول والاول

والاول والاول والاول والاول والاول والاول والاول والاول

والاول والاول والاول والاول والاول والاول والاول والاول

والاول والاول والاول والاول والاول والاول والاول والاول

قاعدۃ اضافہ

[illegible]

وصفت مشبه بـ مفعول اضافة لونه لثوب
وصفت مشبه بـ مفعول اضافة مغنوبه رت
وصفت مشبه بـ مفعول اضافة لونه لثوب
وصفت مشبه بـ مفعول اضافة مغنوبه رت

اسم فاعل انت اسم فاعل چه طور بر رخصت
 عَسَانُ يَقُو الزَّيْدَانِ عَسَا ان يَقُو الزَّيْدَانِ عَسَا ان يَقُو
 فاعل و مفعول متجاوز مثل علم چه طور
 متجاوز عليم و صفت مشبیه مثل عليم فاعل و مفعول

وَعَلَى النَّاسِ عَشْرُ أَجْمَعٍ
فَمَا يَرَدُ مَصُوبًا لَا غَيْرَ وَهُوَ مَا

[illegible]

ضربت وجوباً للزومه الصدح خوضت أبت المفعول

المطوف وهو المصد بؤكد عامله او بين نوعه او عدد

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

قوله فشد الزواق
فاما من بعد واما قد
لو او سقول مخلصك
عالم قد زيد

من کلدیته جمله
مضمونیک اثر ریجین تفصیل
واقع اوله جمله شقدند فشد
مضمونیک اثر ریجین تفصیل
واقع اوله جمله شقدند فشد

فاما مقام جنة ترينه من اهل الجنة فاما مقام جنة ترينه من اهل الجنة فاما مقام جنة ترينه من اهل الجنة

فعله وله على الف و ر ك
جمله مستقد من حرقه ولانك اولاد او استاده
بر اسم واقع اولاد كا فريده ملكوت اوليا بيه
عالم فردايد لير فرينه جنة قائم مقام جنة
عالم فردايد لير فرينه جنة قائم مقام جنة

[illegible][illegible]

جمله متقدم در تقدیر صد ۱۰۰
حقاً ۱۰۴۴ قریه و ما انت الایسر برادر مغول
مطلق منالدره الایسر صیقل و وقع اوله
واللّٰه واقع اوله تقدیر صد ۱۰۰

مفعول مطلق
عالمه حذف ایدر
قرینه فو

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
موسى عليه السلام
الذي جعل القرآن الكريم
موسى عليه السلام
الذي جعل القرآن الكريم
موسى عليه السلام

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
مكتوباً في كتابه العزيز

قوله وزيد ببيتا
براد مغفول مطلقا
واقع اوله وان كان
مذوقا

اوله بلیه
صح اولیا بلیه مفعول مطلق
ایدر فرینه وقایع مقام حسنه
مفعول مطلق کبر و افح کونشده
ایدر فرینه وقایع مقام حسنه
مفعول مطلق کبر و افح کونشده

فان مقام مبتدیان
تقدیر کلام بلمرکز زید تیسیر
میسر تیسیر قوله مرید فاذا
له صوت صوت حماد نورید

مطلقه مثلاً در که شبیه دفع و احوال
علاج در آن اوله یعنی احضار و خوردن
اوله و از دندانک باقیبند برکم دفع
از این که در آن دفع از ضربت دندان

جزا لا خلیق صح الیها بله نفی
مطفئ عامی حذف ایدیر قریه دام بدو عاقل
قا تم مقام جمله قریه مفعول مطلق الموت
عابد

و مفعول مطلق و مفعول به
تقدير کلام بدو و که مررت به
فانما له صوت و نه

صَحَابِ قَوْلِهِ لِبَيْتِكَ

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

قاعدة اضافة

وقته اقل تقصير وصف شبه رسم فعل مضارع وانه لو لم يزل يضاف
اضافة في وصف لفظية من احسن تقصير اضافة في وصف لفظية
اضافة في لفظية ووقته اقل تقصير وصف شبه رسم فعل مضارع
مثل مصدره مفعول اهل مصر و مثل غلام زيد
زيد غير مفعول است و مفعول غير مفعول اضافة
اضافة مفعول است تمام رسم فعل مضارع

وصف شبه رسم مفعول اضافة ثور ذال في الثاني والثبة والجمع فعلا الاول يقول هند
اضافة في وصف مفعول است وصف شبه رسم

عسان تقوم الزبدان عسان يقوموا الزبدون عسان يقوموا
عسان يقوموا الزبدان عسان يقوموا الزبدون عسان يقوموا

وعلى الثاني عسى الجمع
المفعول به وهو الفصلة في الكلام الو

الاصلا ناخني عنه وقد يقدم جوازا الاقادة
ضرب وجوب الزومه الصدحون ثبث المفعول

المطلوب وهو المصدق بكونه عامله او بين نوعه او علة
الطلب وهو المصدق بكونه عامله او بين نوعه او علة

الطلب وهو المصدق بكونه عامله او بين نوعه او علة
الطلب وهو المصدق بكونه عامله او بين نوعه او علة

الطلب وهو المصدق بكونه عامله او بين نوعه او علة
الطلب وهو المصدق بكونه عامله او بين نوعه او علة

قوله في الزناق
فاما ما بعد واذا
براد مفعول مطلق

مفعول مطلق
مفعول مطلق
مفعول مطلق

مفعول مطلق
مفعول مطلق
مفعول مطلق

مفعول مطلق
مفعول مطلق
مفعول مطلق

مفعول مطلق
مفعول مطلق
مفعول مطلق

مفعول مطلق
مفعول مطلق
مفعول مطلق

مفعول مطلق
مفعول مطلق
مفعول مطلق

مفعول مطلق
مفعول مطلق
مفعول مطلق

مفعول مطلق
مفعول مطلق
مفعول مطلق

مفعول مطلق
مفعول مطلق
مفعول مطلق

قوله في الزناق
فاما ما بعد واذا
براد مفعول مطلق

مفعول مطلق
مفعول مطلق
مفعول مطلق

مفعول مطلق
مفعول مطلق
مفعول مطلق

مفعول مطلق
مفعول مطلق
مفعول مطلق

مفعول مطلق
مفعول مطلق
مفعول مطلق

مفعول مطلق
مفعول مطلق
مفعول مطلق

مفعول مطلق
مفعول مطلق
مفعول مطلق

مفعول مطلق
مفعول مطلق
مفعول مطلق

مفعول مطلق
مفعول مطلق
مفعول مطلق

مفعول مطلق
مفعول مطلق
مفعول مطلق

قاعدة اضافہ

قاعده اضافه
وقتکه افعال تفسیر و صفت بشبیه رسم و رسم مضمون اضافه شوند بر مفعول فاعل
اضافه پس رضایه لفظیه است مثل احسن کلمه فی التفسیر اضافه شده بر مفعول خود لفظ کلمه
اضافه اینهمه لفظیه است و وقتکه اضافه شود بر غیر مفعول خود نید عینی از بقوم فلک و جهان اعمالها فی ضمیر زید فاعلها
مثل مصدره مهر علی اهل مصر و مثل غلام زید
نیز بر مفعول است و مصدر غیر مفعول است و اضافه
جزها و غیرها عینه فاعلها اسم مشتق عن الخبر و یظهر اثره
اضافه معنویه است مثلاً رسم و عمل در فعل تفسیر

وصفت مشبه و رسم مقول اضافة لونه لثمن ذال في الثاني والثبة والجمع فعلا الاول تقول هند
اضافة لثمن اضافة مقنونه است صفت مشبه مست

اسم فاعل است اسم فاعل چه طور بر رخ پنداشت
عَسَانُ نَفُوْا الرِّبْدَانُ عَسَا اَنْ نَفُوْا الرِّبْدَانُ عَسَا اَنْ نَفُوْا
فعل و مفعول مجزای مثل عَسَا چه طور
مجزای عَسَا و مفعول مجزای مثل عَسَا چه طور

وعلى الثاني عسى في الجمع ما يرد منصوباً

المفعول به وهو الفضيلة في الكلام الواو

جاءت وحامد حمد حمداً
الاصلي ناخني عنه وقد يفيد جواز الافادة

ضربت وجوباً للزومه الصدح خوضاً رأيت المفعول

المطلق وهو المصد بؤكد عامله اوبين نوعه او عدد

١٥٨٠
 ١٥٨١
 ١٥٨٢
 ١٥٨٣
 ١٥٨٤
 ١٥٨٥
 ١٥٨٦
 ١٥٨٧
 ١٥٨٨
 ١٥٨٩
 ١٥٩٠
 ١٥٩١
 ١٥٩٢
 ١٥٩٣
 ١٥٩٤
 ١٥٩٥
 ١٥٩٦
 ١٥٩٧
 ١٥٩٨
 ١٥٩٩
 ١٦٠٠
 ١٦٠١
 ١٦٠٢
 ١٦٠٣
 ١٦٠٤
 ١٦٠٥
 ١٦٠٦
 ١٦٠٧
 ١٦٠٨
 ١٦٠٩
 ١٦١٠
 ١٦١١
 ١٦١٢
 ١٦١٣
 ١٦١٤
 ١٦١٥
 ١٦١٦
 ١٦١٧
 ١٦١٨
 ١٦١٩
 ١٦٢٠
 ١٦٢١
 ١٦٢٢
 ١٦٢٣
 ١٦٢٤
 ١٦٢٥
 ١٦٢٦
 ١٦٢٧
 ١٦٢٨
 ١٦٢٩
 ١٦٣٠
 ١٦٣١
 ١٦٣٢
 ١٦٣٣
 ١٦٣٤
 ١٦٣٥
 ١٦٣٦
 ١٦٣٧
 ١٦٣٨
 ١٦٣٩
 ١٦٤٠
 ١٦٤١
 ١٦٤٢
 ١٦٤٣
 ١٦٤٤
 ١٦٤٥
 ١٦٤٦
 ١٦٤٧
 ١٦٤٨
 ١٦٤٩
 ١٦٥٠
 ١٦٥١
 ١٦٥٢
 ١٦٥٣
 ١٦٥٤
 ١٦٥٥
 ١٦٥٦
 ١٦٥٧
 ١٦٥٨
 ١٦٥٩
 ١٦٦٠
 ١٦٦١
 ١٦٦٢
 ١٦٦٣
 ١٦٦٤
 ١٦٦٥
 ١٦٦٦
 ١٦٦٧
 ١٦٦٨
 ١٦٦٩
 ١٦٧٠
 ١٦٧١
 ١٦٧٢
 ١٦٧٣
 ١٦٧٤
 ١٦٧٥
 ١٦٧٦
 ١٦٧٧
 ١٦٧٨
 ١٦٧٩
 ١٦٨٠
 ١٦٨١
 ١٦٨٢
 ١٦٨٣
 ١٦٨٤
 ١٦٨٥
 ١٦٨٦
 ١٦٨٧
 ١٦٨٨
 ١٦٨٩
 ١٦٩٠
 ١٦٩١
 ١٦٩٢
 ١٦٩٣
 ١٦٩٤
 ١٦٩٥
 ١٦٩٦
 ١٦٩٧
 ١٦٩٨
 ١٦٩٩
 ١٧٠٠
 ١٧٠١
 ١٧٠٢
 ١٧٠٣
 ١٧٠٤
 ١٧٠٥
 ١٧٠٦
 ١٧٠٧
 ١٧٠٨
 ١٧٠٩
 ١٧١٠
 ١٧١١
 ١٧١٢
 ١٧١٣
 ١٧١٤
 ١٧١٥
 ١٧١٦
 ١٧١٧
 ١٧١٨
 ١٧١٩
 ١٧٢٠
 ١٧٢١
 ١٧٢٢
 ١٧٢٣
 ١٧٢٤
 ١٧٢٥
 ١٧٢٦
 ١٧٢٧
 ١٧٢٨
 ١٧٢٩
 ١٧٣٠
 ١٧٣١
 ١٧٣٢
 ١٧٣٣
 ١٧٣٤
 ١٧٣٥
 ١٧٣٦
 ١٧٣٧
 ١٧٣٨
 ١٧٣٩
 ١٧٤٠
 ١٧٤١
 ١٧٤٢
 ١٧٤٣
 ١٧٤٤
 ١٧٤٥
 ١٧٤٦
 ١٧٤٧
 ١٧٤٨
 ١٧٤٩
 ١٧٥٠
 ١٧٥١
 ١٧٥٢
 ١٧٥٣
 ١٧٥٤
 ١٧٥٥
 ١٧٥٦
 ١٧٥٧
 ١٧٥٨
 ١٧٥٩
 ١٧٦٠
 ١٧٦١
 ١٧٦٢
 ١٧٦٣
 ١٧٦٤
 ١٧٦٥
 ١٧٦٦
 ١٧٦٧
 ١٧٦٨
 ١٧٦٩
 ١٧٧٠
 ١٧٧١
 ١٧٧٢
 ١٧٧٣
 ١٧٧٤
 ١٧٧٥
 ١٧٧٦
 ١٧٧٧
 ١٧٧٨
 ١٧٧٩
 ١٧٨٠
 ١٧٨١
 ١٧٨٢
 ١٧٨٣
 ١٧٨٤
 ١٧٨٥
 ١٧٨٦
 ١٧٨٧
 ١٧٨٨
 ١٧٨٩
 ١٧٩٠
 ١٧٩١
 ١٧٩٢
 ١٧٩٣
 ١٧٩٤
 ١٧٩٥
 ١٧٩٦
 ١٧٩٧
 ١٧٩٨
 ١٧٩٩
 ١٨٠٠
 ١٨٠١
 ١٨٠٢
 ١٨٠٣
 ١٨٠٤
 ١٨٠٥
 ١٨٠٦
 ١٨٠٧
 ١٨٠٨
 ١٨٠٩
 ١٨١٠
 ١٨١١
 ١٨١٢
 ١٨١٣
 ١٨١٤
 ١٨١٥
 ١٨١٦
 ١٨١٧
 ١٨١٨
 ١٨١٩
 ١٨٢٠
 ١٨٢١
 ١٨٢٢
 ١٨٢٣
 ١٨٢٤
 ١٨٢٥
 ١٨٢٦
 ١٨٢٧
 ١٨٢٨
 ١٨٢٩
 ١٨٣٠
 ١٨٣١
 ١٨٣٢
 ١٨٣٣
 ١٨٣٤
 ١٨٣٥
 ١٨٣٦
 ١٨٣٧
 ١٨٣٨
 ١٨٣٩
 ١٨٤٠
 ١٨٤١
 ١٨٤٢
 ١٨٤٣
 ١٨٤٤
 ١٨٤٥
 ١٨٤٦
 ١٨٤٧
 ١٨٤٨
 ١٨٤٩
 ١٨٥٠
 ١٨٥١
 ١٨٥٢
 ١٨٥٣
 ١٨٥٤
 ١٨٥٥
 ١٨٥٦
 ١٨٥٧
 ١٨٥٨
 ١٨٥٩
 ١٨٦٠
 ١٨٦١
 ١٨٦٢
 ١٨٦٣
 ١٨٦٤
 ١٨٦٥
 ١٨٦٦
 ١٨٦٧
 ١٨٦٨
 ١٨٦٩
 ١٨٧٠
 ١٨٧١
 ١٨٧٢
 ١٨٧٣
 ١٨٧٤
 ١٨٧٥
 ١٨٧٦
 ١٨٧٧
 ١٨٧٨
 ١٨٧٩
 ١٨٨٠
 ١٨٨١
 ١٨٨٢
 ١٨٨٣
 ١٨٨٤
 ١٨٨٥
 ١٨٨٦
 ١٨٨٧
 ١٨٨٨
 ١٨٨٩
 ١٨٩٠
 ١٨٩١
 ١٨٩٢
 ١٨٩٣
 ١٨٩٤

[illegible][illegible]

بله معقول است
 قائم مقام جسته قرینه منافی است
 قائم مقام جسته در تقدیر کلام بله در فرض و الواقی
 مقام جمله متقدم در تقدیر کلام بله در فرض و الواقی
 فاما متقدم مناسبت و اما تقدیر و اما تقدیر متقدم مناسبت
 فاما متقدم مناسبت و اما تقدیر و اما تقدیر متقدم مناسبت

[illegible]

مفعول اول رب عالمیت برین
آقدهیر کلام بلر حررته و له علی الف ذره هم استغفرت اسرار
فعلیه هم صفا
ویدان هم صفا
لوا و مفعول مطلق و استغفرت
لوا و مفعول مطلق و استغفرت

که جمله مقدمه بر آن صراحت و دلالت دارد
اولی اینها اضمحلال اولی و اولی و اولی و اولی
و بر آن واقع اولی و اولی و اولی و اولی
مطلقاً عاملاً و اولی و اولی و اولی و اولی
مطلقاً منفرداً و اولی و اولی و اولی و اولی

جمله متقدمه در تقدیر کلام بلم حرکت ذنبه قاع حقیق
حقاً ۱۴۳۴ قوله وما انت الا بشر و ما مفعول
مطلقون مثله در کلام الله بن صورته واقع اوله
والله واقع اوله تقدیر صورته
بهم اقول الله بن صورته

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
موسى عليه السلام في الدنيا والآخرة
موسى عليه السلام في الدنيا والآخرة

وَيَهَيِّئُ لِلسَّفَرِ وَجَاءَ نَجْمُكَ يَا **الرَّحْمَنُ** الْمَفْعُولُ مَعَهُ وَهُوَ

الْمَذْكُورُ بَعْدَ الْوَاوِ الْمَعْبُودَةِ لِمَصَاحِبَةِ مَعْمُولِ الْفِعْلِ وَلَا

يَتَقَدَّمُ عَلَى عَامِلِهِ خَوْشٍ وَرَبْدًا مَالِكٍ وَرَبْدًا وَجَنَانًا

وَالْعَطْفُ فِي الْأَوَّلِينَ فَجِيءَ فِي الْآخِرِينَ رُبْدًا وَخَوْشٍ رُبْدًا

وَعَمْرًا وَاجِبَ الْمَفْعُولِ فِيهِ وَهُوَ اسْمُ زَمَانٍ وَمَكَانٍ مِمَّنْ

أَوْ تَمَرُّهُ أَحَدُهُمَا مُضَوَّبٌ بِفِعْلِ فِعْلِيهِ خَوْشٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

وَصَلَبَتْ خَلْفَ رُبْدٍ وَسِتْرٌ عَشْرِينَ يَوْمًا وَعَشِيرٌ فَرَسًا وَأَمَّا

مُحَدَّثَتِ الْيَدِ الْمَفْعُولِ عَلَى الْأَصَحِّ الْمَضُوبِ يَتَرَعَّى الْخَا

وَهُوَ الْأَسْمُ الصَّرِيحُ أَوِ الْمَوْلَى بِهَ الْمَضُوبِ فِعْلٌ لِلْأَدَمِ يَتَقَدَّمُ

وَيُحْدِثُ كَلِمَةً دُرِّيَّةً وَتُحْدِثُ كَلِمَةً دُرِّيَّةً وَتُحْدِثُ كَلِمَةً دُرِّيَّةً

وَيَهَيِّئُ لِلسَّفَرِ وَجَاءَ نَجْمُكَ يَا **الرَّحْمَنُ** الْمَفْعُولُ مَعَهُ وَهُوَ

الْمَذْكُورُ بَعْدَ الْوَاوِ الْمَعْبُودَةِ لِمَصَاحِبَةِ مَعْمُولِ الْفِعْلِ وَلَا

يَتَقَدَّمُ عَلَى عَامِلِهِ خَوْشٍ وَرَبْدًا مَالِكٍ وَرَبْدًا وَجَنَانًا

وَالْعَطْفُ فِي الْأَوَّلِينَ فَجِيءَ فِي الْآخِرِينَ رُبْدًا وَخَوْشٍ رُبْدًا

وَعَمْرًا وَاجِبَ الْمَفْعُولِ فِيهِ وَهُوَ اسْمُ زَمَانٍ وَمَكَانٍ مِمَّنْ

أَوْ تَمَرُّهُ أَحَدُهُمَا مُضَوَّبٌ بِفِعْلِ فِعْلِيهِ خَوْشٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

وَصَلَبَتْ خَلْفَ رُبْدٍ وَسِتْرٌ عَشْرِينَ يَوْمًا وَعَشِيرٌ فَرَسًا وَأَمَّا

مُحَدَّثَتِ الْيَدِ الْمَفْعُولِ عَلَى الْأَصَحِّ الْمَضُوبِ يَتَرَعَّى الْخَا

وَهُوَ الْأَسْمُ الصَّرِيحُ أَوِ الْمَوْلَى بِهَ الْمَضُوبِ فِعْلٌ لِلْأَدَمِ يَتَقَدَّمُ

وَيُحْدِثُ كَلِمَةً دُرِّيَّةً وَتُحْدِثُ كَلِمَةً دُرِّيَّةً وَتُحْدِثُ كَلِمَةً دُرِّيَّةً

حَرْفُ الْجَوْزِ وَهُوَ يَأْتِي مَعَ أَنْ وَأَنْ خَوَّافًا وَنَجْمًا أَنْ جَاءَ كَرَكًا

رَبْدًا وَجَبَّ أَنْ يَنْدَاقَ نَجْمًا وَسَمَاعِي فِي غَيْرِ ذَلِكَ خَوْشٍ لَتَامَ

الْحَالِ وَهِيَ الْمَبْنِيَّةُ لِلْهَيْبَةِ غَيْرَتُكَ وَتُسْطَرِّبُكَ

وَالْأَعْلَبُ كَوْنُهَا مُشْتَقَّةٌ مُشْتَقَّةٌ مُقَارَنَةً لِعَامِلِهَا وَفَدَيْكَ

تَابِتُهُ وَجَامِدُهُ وَمَقْدَرُهُ وَالْأَصْلُ نَجْمًا غَيْرُ صَاحِبِهَا وَاجِبٌ

أَنْ كَانَ حُرًّا وَنَجْمًا أَنْ كَانَ نَجْمًا وَهُوَ قَلِيلٌ وَجَبَّ فَعَلَهَا

عَلَى الْعَامِلِ أَنْ كَانَ لَهَا الصَّدْحُوكُ كَيْفَ جَاءَ رُبْدًا وَلَا يَجِيءُ

الْمُضَافُ إِلَيْهِ إِلَّا أَنْ يَصَحَّ قِيَامُهُ مَقَامَ الْمَضَافِ خَوْشٍ يَتَبَعُ مَلَهُ

أَبُو هَيْبٍ خَفَا أَوْ كَانَ الْمَضَافُ بَعْضُهُ خَوْشٍ وَجَبَّ هُنْدًا كَثِيرًا

وَيُحْدِثُ كَلِمَةً دُرِّيَّةً وَتُحْدِثُ كَلِمَةً دُرِّيَّةً وَتُحْدِثُ كَلِمَةً دُرِّيَّةً

وَيَهَيِّئُ لِلسَّفَرِ وَجَاءَ نَجْمُكَ يَا **الرَّحْمَنُ** الْمَفْعُولُ مَعَهُ وَهُوَ

الْمَذْكُورُ بَعْدَ الْوَاوِ الْمَعْبُودَةِ لِمَصَاحِبَةِ مَعْمُولِ الْفِعْلِ وَلَا

يَتَقَدَّمُ عَلَى عَامِلِهِ خَوْشٍ وَرَبْدًا مَالِكٍ وَرَبْدًا وَجَنَانًا

وَالْعَطْفُ فِي الْأَوَّلِينَ فَجِيءَ فِي الْآخِرِينَ رُبْدًا وَخَوْشٍ رُبْدًا

وَعَمْرًا وَاجِبَ الْمَفْعُولِ فِيهِ وَهُوَ اسْمُ زَمَانٍ وَمَكَانٍ مِمَّنْ

أَوْ تَمَرُّهُ أَحَدُهُمَا مُضَوَّبٌ بِفِعْلِ فِعْلِيهِ خَوْشٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

وَصَلَبَتْ خَلْفَ رُبْدٍ وَسِتْرٌ عَشْرِينَ يَوْمًا وَعَشِيرٌ فَرَسًا وَأَمَّا

مُحَدَّثَتِ الْيَدِ الْمَفْعُولِ عَلَى الْأَصَحِّ الْمَضُوبِ يَتَرَعَّى الْخَا

وَهُوَ الْأَسْمُ الصَّرِيحُ أَوِ الْمَوْلَى بِهَ الْمَضُوبِ فِعْلٌ لِلْأَدَمِ يَتَقَدَّمُ

وَيُحْدِثُ كَلِمَةً دُرِّيَّةً وَتُحْدِثُ كَلِمَةً دُرِّيَّةً وَتُحْدِثُ كَلِمَةً دُرِّيَّةً

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل اللغة العربية لغة العرب
والمسلمين وفضلها على كل لغة أخرى
في بيان المعاني والبيان

لما قال النحاة لغة العرب لغة العرب
والعرب لغة العرب لغة العرب
والعرب لغة العرب لغة العرب

النكرة الراجعة للايهام المستقر عن ذاتها وتفرع
على الراجحة فان كان مشتقا اقبل الى الحال الاول غير مفاد غالبا

الحال باغلبه جوده وعدم مجبه جملة وعدم جواز تقديم على عامل
على الراجحة فان كان مشتقا اقبل الى الحال الاول غير مفاد غالبا

والنحاة في قوله غير مجبه جملة وعدم جواز تقديم على عامل
على الراجحة فان كان مشتقا اقبل الى الحال الاول غير مفاد غالبا

والنحاة في قوله غير مجبه جملة وعدم جواز تقديم على عامل
على الراجحة فان كان مشتقا اقبل الى الحال الاول غير مفاد غالبا

والنحاة في قوله غير مجبه جملة وعدم جواز تقديم على عامل
على الراجحة فان كان مشتقا اقبل الى الحال الاول غير مفاد غالبا

والنحاة في قوله غير مجبه جملة وعدم جواز تقديم على عامل
على الراجحة فان كان مشتقا اقبل الى الحال الاول غير مفاد غالبا

والنحاة في قوله غير مجبه جملة وعدم جواز تقديم على عامل
على الراجحة فان كان مشتقا اقبل الى الحال الاول غير مفاد غالبا

والنحاة في قوله غير مجبه جملة وعدم جواز تقديم على عامل
على الراجحة فان كان مشتقا اقبل الى الحال الاول غير مفاد غالبا

بحث اضاف

الحمد لله الذي جعل اللغة العربية لغة العرب
والمسلمين وفضلها على كل لغة أخرى
في بيان المعاني والبيان

لما قال النحاة لغة العرب لغة العرب
والعرب لغة العرب لغة العرب
والعرب لغة العرب لغة العرب

النكرة الراجعة للايهام المستقر عن ذاتها وتفرع
على الراجحة فان كان مشتقا اقبل الى الحال الاول غير مفاد غالبا

الحال باغلبه جوده وعدم مجبه جملة وعدم جواز تقديم على عامل
على الراجحة فان كان مشتقا اقبل الى الحال الاول غير مفاد غالبا

والنحاة في قوله غير مجبه جملة وعدم جواز تقديم على عامل
على الراجحة فان كان مشتقا اقبل الى الحال الاول غير مفاد غالبا

والنحاة في قوله غير مجبه جملة وعدم جواز تقديم على عامل
على الراجحة فان كان مشتقا اقبل الى الحال الاول غير مفاد غالبا

والنحاة في قوله غير مجبه جملة وعدم جواز تقديم على عامل
على الراجحة فان كان مشتقا اقبل الى الحال الاول غير مفاد غالبا

والنحاة في قوله غير مجبه جملة وعدم جواز تقديم على عامل
على الراجحة فان كان مشتقا اقبل الى الحال الاول غير مفاد غالبا

والنحاة في قوله غير مجبه جملة وعدم جواز تقديم على عامل
على الراجحة فان كان مشتقا اقبل الى الحال الاول غير مفاد غالبا

والنحاة في قوله غير مجبه جملة وعدم جواز تقديم على عامل
على الراجحة فان كان مشتقا اقبل الى الحال الاول غير مفاد غالبا

حروف الجر مفردة حراد او تمتع اضافة المضافات

واسماء الاشارة واسماء الاستفهام واسماء الشرط

الموصول سواء في الثلاثة الاخيرة وبعض الاسماء

الاضافة اما الى الجملة وهو اذ او الى المفرد

او ضمرا وهو كلا وكلنا وعند ولدي وسواي وظاهري

فقط وهو الو وذا وقرعها ومضمر فقط وهو وحده

واخوانه كحل ويجوز المضاف عن الثوبين ونون التثنية

والجمع وملحقا فاما ان كانت اضافة ضمة الى معمولها فليقطة

ولا تفيد الاختفاء والاختفاء وتفيد تعريف المفعول

وخصيصا مع النكح والمضاف اليه فيها ان كانت جنسا للفظ
فهي بمعنى من او ظرفا له في معنى في او غيرها بمعنى اللام وقد كتب
المضاف المذكور مضافا اليه المؤنث ثانيا وبالعكس شرط
جواز الاستغناء عنه بالمضاف اليه كقوله وتشرق بالاقول

اوله و...
وتشرق بالاقول الذي قد اضعفه
الذي قد اضعفه كما شق ضد القيان من اللام وقوله انا الذي قد اضعفه
العقل مكتوب طوع هوى او عقل عامي الهوى بنو ثنوبوا
ومن ثم اضعف قائم غلام هندا المجرد بالحرف الجوهريا
نسب اليه بنو واسطة حرف الجر ملفوظا والمشهور من حروف
الجر اربعة عشر فاسبعة منها في الظاهر والمضمر وهي
واحد عشر في الظاهر والمضمر وهي

عنا في الماء واللام وسعة في الظاهر فقط وهي
مثال الظاهر والمضمر مثال اخذت من القامح ومثال مضمر من عطاء

مثال الظاهر من ربيت السهم عن القوس مثال مضمر من ربيت
مثال الظاهر زيد على السطح مثال مضمر عليه دين مثال الظاهر
نحو زيد في الدار مثال مضمر في فكم مثال الظاهر في بنين داء

مثال مضمر في بنين داء مثال الظاهر في بنين داء
مثال الظاهر في بنين داء

مثال الظاهر في بنين داء
مثال الظاهر في بنين داء
مثال الظاهر في بنين داء

مثال الظاهر في بنين داء
مثال الظاهر في بنين داء
مثال الظاهر في بنين داء

مثال الظاهر في بنين داء
مثال الظاهر في بنين داء
مثال الظاهر في بنين داء

مثال الظاهر في بنين داء
مثال الظاهر في بنين داء
مثال الظاهر في بنين داء

مثال الظاهر في بنين داء
مثال الظاهر في بنين داء
مثال الظاهر في بنين داء

عہد خدمت

بعد از طیّی لوازم اظهار میدی ابرک

اوله رجاو
ولتشرق بالقول الذي قبل اضيقه
فانهم قد وردوا في قوله تعالى اني قد اذعنكم فريضة خالدة لا اله الا الله
آخره
وعقل عاصم الصوابين واراد
تنوير العباد

وَعَنْ عَلِيٍّ وَابْنِ الْمُبَارَكِ وَاللَّامُ وَسَبْعَةُ فِي الظَّاهِرِ فِطْرُهُ

هَذَا وَمِنْهُ وَحْتِصَالُ الزَّمَانِ وَرَبِّ نَحْصِصُ النِّكَاحَ وَالنَّاءَ

يَخْتَصُّ بِاسْمِ اللَّهِ هُمِي وَالْكَافِ وَالْوَالِخْتَصُّ بِظَاهِرِ مَعِينِ

نوار الیہ: ماوردی منصوباً و غیر منصوباً و ہوا رباعی المثنی

وهو المذكور بعد الا واخواته للام التي على عدم انصافه بما

سب السابفة ولو مكانا فان كان محررا منضا والاشعظ فاما

ثُمَّ يَنْتَبِهُ بِالْإِزْنِ لَمْ يُذَكِّرْ مَعَهُ الْمُنْتَهَى مِنْهُ أَعْرَبَ بِحَسَابِ أَعْوَابِ

ففرغوا الكلام معه غمود غلبوا وأزكروا أنكر الكاويجا

فأما إذا كان الفعل متعدياً فلهذا الوجهان

مجلس

١٠٠
 ١٠١
 ١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠
 ٢٠١
 ٢٠٢
 ٢٠٣
 ٢٠٤
 ٢٠٥
 ٢٠٦
 ٢٠٧
 ٢٠٨
 ٢٠٩
 ٢١٠
 ٢١١
 ٢١٢
 ٢١٣
 ٢١٤
 ٢١٥
 ٢١٦
 ٢١٧
 ٢١٨
 ٢١٩
 ٢٢٠
 ٢٢١
 ٢٢٢
 ٢٢٣
 ٢٢٤
 ٢٢٥
 ٢٢٦
 ٢٢٧
 ٢٢٨
 ٢٢٩
 ٢٣٠
 ٢٣١
 ٢٣٢
 ٢٣٣
 ٢٣٤
 ٢٣٥
 ٢٣٦
 ٢٣٧
 ٢٣٨
 ٢٣٩
 ٢٤٠
 ٢٤١
 ٢٤٢
 ٢٤٣
 ٢٤٤
 ٢٤٥
 ٢٤٦
 ٢٤٧
 ٢٤٨
 ٢٤٩
 ٢٥٠
 ٢٥١
 ٢٥٢
 ٢٥٣
 ٢٥٤
 ٢٥٥
 ٢٥٦
 ٢٥٧
 ٢٥٨
 ٢٥٩
 ٢٦٠
 ٢٦١
 ٢٦٢
 ٢٦٣
 ٢٦٤
 ٢٦٥
 ٢٦٦
 ٢٦٧
 ٢٦٨
 ٢٦٩
 ٢٧٠
 ٢٧١
 ٢٧٢
 ٢٧٣
 ٢٧٤
 ٢٧٥
 ٢٧٦
 ٢٧٧
 ٢٧٨
 ٢٧٩
 ٢٨٠
 ٢٨١
 ٢٨٢
 ٢٨٣
 ٢٨٤
 ٢٨٥
 ٢٨٦
 ٢٨٧
 ٢٨٨
 ٢٨٩
 ٢٩٠
 ٢٩١
 ٢٩٢
 ٢٩٣
 ٢٩٤
 ٢٩٥
 ٢٩٦
 ٢٩٧
 ٢٩٨
 ٢٩٩
 ٣٠٠
 ٣٠١
 ٣٠٢
 ٣٠٣
 ٣٠٤
 ٣٠٥
 ٣٠٦
 ٣٠٧
 ٣٠٨
 ٣٠٩
 ٣١٠
 ٣١١
 ٣١٢
 ٣١٣
 ٣١٤
 ٣١٥
 ٣١٦
 ٣١٧
 ٣١٨
 ٣١٩
 ٣٢٠
 ٣٢١
 ٣٢٢
 ٣٢٣
 ٣٢٤
 ٣٢٥
 ٣٢٦
 ٣٢٧
 ٣٢٨
 ٣٢٩
 ٣٣٠
 ٣٣١
 ٣٣٢
 ٣٣٣
 ٣٣٤
 ٣٣٥
 ٣٣٦
 ٣٣٧
 ٣٣٨
 ٣٣٩
 ٣٤٠
 ٣٤١
 ٣٤٢
 ٣٤٣
 ٣٤٤
 ٣٤٥
 ٣٤٦
 ٣٤٧
 ٣٤٨
 ٣٤٩
 ٣٥٠
 ٣٥١
 ٣٥٢
 ٣٥٣
 ٣٥٤
 ٣٥٥
 ٣٥٦
 ٣٥٧
 ٣٥٨
 ٣٥٩
 ٣٦٠
 ٣٦١
 ٣٦٢
 ٣٦٣
 ٣٦٤
 ٣٦٥
 ٣٦٦
 ٣٦٧
 ٣٦٨
 ٣٦٩
 ٣٧٠
 ٣٧١
 ٣٧٢
 ٣٧٣
 ٣٧٤
 ٣٧٥
 ٣٧٦
 ٣٧٧
 ٣٧٨
 ٣٧٩
 ٣٨٠
 ٣٨١
 ٣٨٢
 ٣٨٣
 ٣٨٤
 ٣٨٥
 ٣٨٦
 ٣٨٧
 ٣٨٨
 ٣٨٩
 ٣٩٠
 ٣٩١
 ٣٩٢
 ٣٩٣
 ٣٩٤
 ٣٩٥
 ٣٩٦
 ٣٩٧
 ٣٩٨
 ٣٩٩
 ٤٠٠
 ٤٠١
 ٤٠٢
 ٤٠٣
 ٤٠٤
 ٤٠٥
 ٤٠٦
 ٤٠٧
 ٤٠٨
 ٤٠٩
 ٤١٠
 ٤١١
 ٤١٢
 ٤١٣
 ٤١٤
 ٤١٥
 ٤١٦
 ٤١٧
 ٤١٨
 ٤١٩
 ٤٢٠
 ٤٢١
 ٤٢٢
 ٤٢٣
 ٤٢٤
 ٤٢٥
 ٤٢٦
 ٤٢٧
 ٤٢٨
 ٤٢٩
 ٤٣٠
 ٤٣١
 ٤٣٢
 ٤٣٣
 ٤٣٤
 ٤٣٥
 ٤٣٦
 ٤٣٧
 ٤٣٨
 ٤٣٩
 ٤٤٠
 ٤٤١
 ٤٤٢
 ٤٤٣
 ٤٤٤
 ٤٤٥
 ٤٤٦
 ٤٤٧
 ٤٤٨
 ٤٤٩
 ٤٥٠
 ٤٥١
 ٤٥٢
 ٤٥٣
 ٤٥٤
 ٤٥٥
 ٤٥٦
 ٤٥٧
 ٤٥٨
 ٤٥٩
 ٤٦٠
 ٤٦١
 ٤٦٢
 ٤٦٣
 ٤٦٤
 ٤٦٥
 ٤٦٦
 ٤٦٧
 ٤٦٨
 ٤٦٩
 ٤٧٠
 ٤٧١

الزهر بنده قام

الرفع فيما عدا ذلك لا وله عدم تقدير نحو زيد ضربته

الثالث المنادى وهو المدعو بابا وصاوي قريبا مع البعيد

وبالفتح مع القرب وببالمطفا وبثقا كونهم مظهرا وبالث

ضعف مخلق نحو اللام الا في لفظ الجلالة وبالثي شاذ

يخفف حرف النداء الامع اسم الجند والمنادى المستعار واسم

الاستارة ولفظ الجلالة مع عدم اليم في الاغلبان حدث

لن الخذف المفرا معرفة والنكح المقصود ببيان على ما

يرفعان به نحو نازيد وارجلان والمضاف وشبهه غير المقصود

نص نحو يا عبد الله ويا طالعا حلا ويا رجلا والمستغنى

هذا هو المنادى وهو المدعو بابا وصاوي قريبا مع البعيد وبالفتح مع القرب وببالمطفا وبثقا كونهم مظهرا وبالث ضعف مخلق نحو اللام الا في لفظ الجلالة وبالثي شاذ يخفف حرف النداء الامع اسم الجند والمنادى المستعار واسم الاستارة ولفظ الجلالة مع عدم اليم في الاغلبان حدث لن الخذف المفرا معرفة والنكح المقصود ببيان على ما يرفعان به نحو نازيد وارجلان والمضاف وشبهه غير المقصود نص نحو يا عبد الله ويا طالعا حلا ويا رجلا والمستغنى

بلامها وفتح بالفها ولا لام فيها نحو يا زيد وزيد

والعلم المفرد الموصوب ابن وابنة مضافا الى علم الخنثى

فخه نحو نازيد بن عمر والمنون ضرورة يجوز ضم ونصبه نحو

سلام الله يا مظهر عليها وليس عليك يا مظهر السلام والمكر والمضا

يجوز ضم ونصبه كمن الاول بانتم منكم على اباكم ولا

يقتسم وضوءه المجرى وتوابعه المضايقة نصب مطلقا

اما المقرة فتوابع المجرى بغير باعائه وتوابع المجرى على ما

به من التاكيد والصفى وعطف البيان ترفع على افعله

على حله والبدل كما المستقل مطلقا اما المعطوف فان كان

هذا هو المنادى وهو المدعو بابا وصاوي قريبا مع البعيد وبالفتح مع القرب وببالمطفا وبثقا كونهم مظهرا وبالث ضعف مخلق نحو اللام الا في لفظ الجلالة وبالثي شاذ يخفف حرف النداء الامع اسم الجند والمنادى المستعار واسم الاستارة ولفظ الجلالة مع عدم اليم في الاغلبان حدث لن الخذف المفرا معرفة والنكح المقصود ببيان على ما يرفعان به نحو نازيد وارجلان والمضاف وشبهه غير المقصود نص نحو يا عبد الله ويا طالعا حلا ويا رجلا والمستغنى

هذا هو المنادى وهو المدعو بابا وصاوي قريبا مع البعيد وبالفتح مع القرب وببالمطفا وبثقا كونهم مظهرا وبالث ضعف مخلق نحو اللام الا في لفظ الجلالة وبالثي شاذ يخفف حرف النداء الامع اسم الجند والمنادى المستعار واسم الاستارة ولفظ الجلالة مع عدم اليم في الاغلبان حدث لن الخذف المفرا معرفة والنكح المقصود ببيان على ما يرفعان به نحو نازيد وارجلان والمضاف وشبهه غير المقصود نص نحو يا عبد الله ويا طالعا حلا ويا رجلا والمستغنى

Handwritten marginal notes at the top of the right page, including the phrase "والصنف الثاني من النسخ" (The second class of manuscripts).

مع ال فاما الخليل بخار رفعه ويونس فيه والميرد انكا
كا الخليل فاما الخليل والافكوس والافكا البديع
بع ما يقد اعلمه كالمعل والمنقيل التذاع كقواع المصنوع
لفظا نرفع للبناء المقدر على اللفظ وينصب للنصب المقدر

على الحل الرابع ميم اسماء العدد فميم الثلاثة الى خمسة
مجموع وميم ما بين العشر والمائة منصوب مفرد وميم
المائة والالف ومثناها وجميعه مجزوم مفرد ورفضه
جمع المائة واصل العدد اثنا عشر كلمة والحدة الى عشرة

والالف والواحد والاثنا عشر ان مع المذكر وموت
فوق واحد ورجلان اثنا عشر

ويوتان مع الموت ولا يجمع العدد بل يقال رجلان

الحل والثلثة الى عشرة بالعكس نحو سبعة سبيل

وثمانية ايام ونقول احد عشر اثنا عشر في المذكر احد

عشرة واثنا عشر في المؤنث ثلث عشرة الى تسعة عشرة في المذكر

ثلث عشرة الى تسعة عشرة في المؤنث تسويان في عشرين واخواتها

ثم تطف فقول احد وعشرون رجلا احدى وعشرون امرأة اثنا

وعشرون رجلا اثنا عشر وعشرون امرأة ثلث وعشرين امرأة

ثلث وعشرون رجلا وهكذا الى تسع وتسعين امرأة

منها المضر وهو ما وضع لمتك او خاطب او غاي بسوق ذكر ولو

Handwritten marginal notes on the left side of the right page, discussing grammatical rules and providing examples.

Handwritten marginal notes at the bottom of the right page, continuing the grammatical discussion.

Handwritten marginal notes on the left side of the left page, providing additional examples and explanations.

Handwritten marginal notes at the top of the right page, including the phrase "والصنف الثاني من النسخ" (The second class of manuscripts).

مع ال فاما الخليل بنار رفعه وبولس نصه والميرزا
كا الخليل بنار رفعه وبولس نصه والميرزا
مع ما يقدد اعلمه كالمعل والمبني للنداء كوايع المصنف
لفظا ترفع للبناء المقدر على اللفظ وينصب للنصب المقدر

على المحل **م** مبر اسماء العدد فمير الثلاثة الى اخر
مجموع ومير فابن العشر والمائة منصوب مفرد ومير
المائة والالف ومشاها واجبة مجزوم مفرد ورفضو
جمع المائة واصول العدد اثنا عشر كلمته والحدة الى عشر

والالف والواحد والاثان بذكر ان مع المذكر وموت
والواحد والواحد والواحد والواحد والواحد والواحد

Handwritten marginal notes at the top of the left page.

وبونتان مع الموت ولا يجتمع المعدود بل يقال رجلان
والثلاثة الى عشرة بالعكس نحو سبعة سبعة
وثمانية ايام ونقول احد عشر اثنا عشر في المذكر احد

عشرة واثنا عشر في المؤنث ثلثة عشر الى تسعة عشر في المذكر
ثلثة عشر الى تسعة عشر في المؤنث يسويان في عشرين وواحدة
ثم تقطف فنقول احد وعشرون رجلا احدى وعشرون امرأة اثنا

وعشرون رجلا اثنا وعشرون امرأة ثلثة وعشرين امرأة
ثلثة وعشرون رجلا وهكذا الى تسع وتسعين امرأة

Handwritten marginal notes at the top of the left page.

Handwritten marginal notes on the left side of the left page.

Handwritten marginal notes on the left side of the left page.

Handwritten marginal notes at the bottom of the left page.

في انشاء الجمل المنفصل
او انشاء في ان جمل المنفصل

فقد انشأوا المنفصل في قوله الاول ان ما قرأه على يديك
فقد انشأوا ان المنفصل في قوله الاول ان ما قرأه على يديك
اي انك في الاسماء اي في قوله الاول ان ما قرأه على يديك
اي انك في الاسماء اي في قوله الاول ان ما قرأه على يديك

والمضمر في قوله الاول ان ما قرأه على يديك
والمضمر في قوله الاول ان ما قرأه على يديك
والمضمر في قوله الاول ان ما قرأه على يديك

ولا يبيح المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه
ولا يبيح المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه
ولا يبيح المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه

وتشبهها بالانجاء في قوله الاول ان ما قرأه على يديك
وتشبهها بالانجاء في قوله الاول ان ما قرأه على يديك
وتشبهها بالانجاء في قوله الاول ان ما قرأه على يديك

ففي انشاء الجمل المنفصل
ففي انشاء الجمل المنفصل
ففي انشاء الجمل المنفصل

ولا يبيح المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه
ولا يبيح المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه
ولا يبيح المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه

ولا يبيح المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه
ولا يبيح المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه
ولا يبيح المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه

في انشاء الجمل المنفصل
او انشاء في ان جمل المنفصل

في انشاء الجمل المنفصل
او انشاء في ان جمل المنفصل

في انشاء الجمل المنفصل
او انشاء في ان جمل المنفصل

فقد انشأوا المنفصل في قوله الاول ان ما قرأه على يديك
فقد انشأوا ان المنفصل في قوله الاول ان ما قرأه على يديك
اي انك في الاسماء اي في قوله الاول ان ما قرأه على يديك

والمضمر في قوله الاول ان ما قرأه على يديك
والمضمر في قوله الاول ان ما قرأه على يديك
والمضمر في قوله الاول ان ما قرأه على يديك

ولا يبيح المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه
ولا يبيح المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه
ولا يبيح المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه

وتشبهها بالانجاء في قوله الاول ان ما قرأه على يديك
وتشبهها بالانجاء في قوله الاول ان ما قرأه على يديك
وتشبهها بالانجاء في قوله الاول ان ما قرأه على يديك

ففي انشاء الجمل المنفصل
ففي انشاء الجمل المنفصل
ففي انشاء الجمل المنفصل

ولا يبيح المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه
ولا يبيح المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه
ولا يبيح المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه

ولا يبيح المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه
ولا يبيح المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه
ولا يبيح المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه

مواضع اذا كان حرفا باو او المشا من واعلمنا

الثاني نحو اكرهاني واكرهت الزيدين وكانا علفا في باب

مفسر انتم نحو نعم رجلا زيدا ومثله ظاهر كحوضه

زيدا ومجوزا رب على ضعف نحو به رجلا او كان

للسان والفصح كاهر ومنها اسماء استاء وهي

وضع لشار اليه محسوس للمفرد المذكور او للتشاذ ان

الحل او بين مضنوه ومجوده وان هذا لساخر ان متاول

والسوت ناو وجروده وفي وفيه وانشاء ثلثا وبن نصبا

وجرا لاولا ومدوا فصار

وتدخلها هاء التي في قوله

وتدخلها هاء التي في قوله

في انشاء الجمل المنفصل
او انشاء الجمل المتصل

فقد اوردنا في هذا الموضع من كتابنا في انشاء الجمل المنفصل وال متصل
بما كان اسفل منفصل وال متصل وال متصل فروع

ومنصو ومجرو والمنفصل عجز وفرد خمسة انواع
ولا ينسخ المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه

ومشهورا بالخبار صلة وقد تقدم على الجملة ضمير غائب
مفسر بما يسمي ضمير الشأن والفضة وحسن ثابته ان كان

الموت فيها عملا ولا يستر ولا يعطفه الا بالابداء او
نسخه ولا يثنى ولا يجمع ولا ينفرد ولا يبع نحو هو الامير

واك هي هند كمة الاله وانه الامير ان كان الناس
ذكر بعض المحققين عوف الضمير على المناخر لفظا وبنية في

وجمل اول اوله واول فصل
وندخلها هاء الية ونحذفها

في انشاء الجمل المنفصل
او انشاء الجمل المتصل

فقد اوردنا في هذا الموضع من كتابنا في انشاء الجمل المنفصل وال متصل
بما كان اسفل منفصل وال متصل وال متصل فروع

ومنصو ومجرو والمنفصل عجز وفرد خمسة انواع
ولا ينسخ المنفصل الا بعد منفصل وان في هاء سلبه

ومشهورا بالخبار صلة وقد تقدم على الجملة ضمير غائب
مفسر بما يسمي ضمير الشأن والفضة وحسن ثابته ان كان

الموت فيها عملا ولا يستر ولا يعطفه الا بالابداء او
نسخه ولا يثنى ولا يجمع ولا ينفرد ولا يبع نحو هو الامير

واك هي هند كمة الاله وانه الامير ان كان الناس
ذكر بعض المحققين عوف الضمير على المناخر لفظا وبنية في

وجمل اول اوله واول فصل
وندخلها هاء الية ونحذفها

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن كتابا هاديا
مبيناً ما بين الخير والشر
والله اعلم بالصواب

كان الخطاب بلا لام للنسب ومعه للبعد الى المت

والجمع عند منة وفيما دخله حرف التثنية

ومنها الموصول هو حرفي واسمي في كل حرفي ولام

صلته بالمصد والمشتوم منها خصة ان وان واو

ولو نحو اولهم يكفهم انا انزلنا وان نضومهم

يوم الحثك وكلما يكون على الموصي بود احكام

الوجع الفسنة والموصول الاسمي ما انفقر

صلة وعائد وهو الذي للمذكر واللاتي للنسب اللذان و

اللذان لثانها بالالف ان كانا حرفي المحل والباء

ان كانا منصوبين او محروبين والاولى والذين طلقا

لمع المذكر واللاتي واللاتي واللاتي واللاتي

وما والاولى وذوذا بعدا ومن استقامته للمذكر

والموت اذا قلنا اذا صنعت من ارباب فذا موصولة

وما ومن صيدبان والجواب مع ذلك الغاؤه

وتركيها معهما بمعنى اي شي واي شخص الكل مقصود

والجواب على التقدير نص وصلة نحو اذا عرض

ذا قام الا ان الجواب مع طلقا ومنها المركب

من لفظين ليس بينهما نسبة فان ضمن جى الثاني

وقال في تفسير القرآن
الذين طلقا
الذين طلقا
الذين طلقا

والذين طلقا
الذين طلقا
الذين طلقا

والذين طلقا
الذين طلقا
الذين طلقا

والذين طلقا
الذين طلقا
الذين طلقا

مستقر است وحقاً انفسه را که نسبت به خدا موصول دهد و خدا را که هم بهر است و بهر در ظرف نباشد و علی حد

خود را با فضل زان کس
که در این عالم است
نمی بیند
و این را که در این عالم است
نمی بیند

(Faint handwritten notes in Arabic script, likely bleed-through from the reverse side of the page.)

لَتَنه وَفِيهَا
الطاهر محمد لا اله الا الله محمد بن عبد الله
اولادك محمد بن عبد الله

موسم اول غفر

هو لک و بانسو

بن ابوداحیه

الاسمى والافضل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مع المحل وبالنسبة

از کتاب

وَاللَّيْلُ نَوْمُكَ الْمُنْتَبِهُ لَا تَوَدُّكَ الْمُبِينُ
وَاللَّيْلُ نَوْمُكَ الْمُنْتَبِهُ لَا تَوَدُّكَ الْمُبِينُ

11/12

اراد

10/10/20

و اما در این کتاب که به نام "تاریخ و احوال" است، نویسنده به بیان سیرت و صفات پادشاهان و بزرگان و همچنین شرح وقایع و حوادث تاریخی پرداخته است.

ما دم مغفولان
کونما داهن

بسم الله الرحمن الرحيم

سؤال و جواب
تفتیشی
۲۰۰۰

الآن قد ضقت أثاركم فيكون جوابي
فأكون لكم منها جنة النية

فقدنا صيدا فكريا ما اذ لم يكن هينا

الكتاب المنقح وهو المنقح من كتاب المنقح
الكتاب المنقح وهو المنقح من كتاب المنقح
الكتاب المنقح وهو المنقح من كتاب المنقح

كمنه عشر واحد عشر وعشرون
كمنه عشر واحد عشر وعشرون

اثني عشر وعشرون
اثني عشر وعشرون

عرب الثاني كعربك ان لم يكن قبل التركيب
عرب الثاني كعربك ان لم يكن قبل التركيب

كل فرع اعرب بغيره من جهة واحدة
كل فرع اعرب بغيره من جهة واحدة

خسة الاول النعت وهو دل على معنى فهو مطلقا
خسة الاول النعت وهو دل على معنى فهو مطلقا

والاغلب اشتقاقه وهو ما كان موصوفا بغيره
والاغلب اشتقاقه وهو ما كان موصوفا بغيره

ونعربا ونكيرا واقرأ او ثنية او جمع او ثنية
ونعربا ونكيرا واقرأ او ثنية او جمع او ثنية

الكتاب المنقح وهو المنقح من كتاب المنقح
الكتاب المنقح وهو المنقح من كتاب المنقح
الكتاب المنقح وهو المنقح من كتاب المنقح

كقول الله عز وجل
كقول الله عز وجل

ورجلان كرميا الاب ورجال كرام الاب والافكا الفعل
ورجلان كرميا الاب ورجال كرام الاب والافكا الفعل

لغيت اخرين حسنا عبداها او قائما او قائما في الدار جارا
لغيت اخرين حسنا عبداها او قائما او قائما في الدار جارا

بنهما المعطو بالحرف وهو تابع بواسطة الواو
بنهما المعطو بالحرف وهو تابع بواسطة الواو

والفاء او ثم او حتى وام او او وبل ولا ولكن واملا
والفاء او ثم او حتى وام او او وبل ولا ولكن واملا

نحو جاء زيد وعم وجعلناك والاولين وقد يعطف الفعل
نحو جاء زيد وعم وجعلناك والاولين وقد يعطف الفعل

على اسم متباني له وبالعكس ولا تحسن العطف الضمير
على اسم متباني له وبالعكس ولا تحسن العطف الضمير

على المرفوع المنصلي يار ذا ومسته الامع الفصل المعطو
على المرفوع المنصلي يار ذا ومسته الامع الفصل المعطو

الكتاب المنقح وهو المنقح من كتاب المنقح
الكتاب المنقح وهو المنقح من كتاب المنقح
الكتاب المنقح وهو المنقح من كتاب المنقح

كحوتنا وزيد و دخلوها ومن صلح وما اشركنا
ولا ابائنا **ويعاد الخافض على المعطو على ضمير**
مخرجو حورتك ونريد ولا يعطف على معملين
مختلفين على المشهور **لا في الدار زيد** والحجر عن الناس
الناكيد وهو نابع بقيد من مشبوحة او شمو الحكم لا في
وهو ما لفظي وهو اللفظ المكرر ومعنى والفاظه **نفس**
والعين وبطابقان المؤكد في غير التثنية وهما فيها كالحج
نقول جاني زيد بنفسه والزيدان انفسهما والزيدون
وكلنا لثنتي وكل وجميع وعامة لغني من ذي اجراع

بصح افترا لها ولو حكا نحو شرب العبد كله ويتصل

بضمير طابق للمؤكد وقديبع كل باجمع واخواتها مطلقا

لا يؤكد النكرة الامع الفائدة ومن ثم اقتصر

رجلا نفسه وجاز اشترى عبدا كله واذا الكا المرفوع

المتصل ببارد او متبعا بالنفس والعين بعد المنفصل

نحو قوموا انفسكم وقم انفسك **الراجح** البديل وهو

الناج المقصود صالة مما نسب اليه وهو بديل الكل من

الكل والبعض من البعض الكل والاستعمال هو الذي

اشتمل عليه المدل منه بحيث يتسوق السامع الى ذكره

اخواته بدل
بالتثنية مطلقا
نحو ان لها فاعلا

بضمير طابق للمؤكد وقديبع كل باجمع واخواتها مطلقا

لا يؤكد النكرة الامع الفائدة ومن ثم اقتصر

رجلا نفسه وجاز اشترى عبدا كله واذا الكا المرفوع

المتصل ببارد او متبعا بالنفس والعين بعد المنفصل

نحو قوموا انفسكم وقم انفسك **الراجح** البديل وهو

الناج المقصود صالة مما نسب اليه وهو بديل الكل من

الكل والبعض من البعض الكل والاستعمال هو الذي

اشتمل عليه المدل منه بحيث يتسوق السامع الى ذكره

اشتمل عليه المدل منه بحيث يتسوق السامع الى ذكره

نحو سئلونك عن الشهر الحرام قال فيه والبدل المباني
مثال بدل احتمال

هو ان ذكر للبالغه سمي بدل بداء كقولك جيتي فريتم

ويقع من الفضا اولئذ انك الغلط نحو جاتي زيد الفري

ولا يقع من فصح لا تبدل الظاهر من المصير بدلك من الكل

الامن الغالب نحو منته زيدا وقال بعض المحققين لا تبدل

المصير من قبله ولا من الظاهر وما قبله للذالك المصير

على العرب وقت انت ولقيت زيدا ناكيد لفظي

غف البيان وهو تابع شبه الصفه في توضيح منبوعه

نحو جاتي زيدا خوك ويتبعه في ربه من عشرة كالتعت

البدل والعطف بيان منبوعه

ويفرق عن البدل في نحو هين فام اخوها زيد لان البدل

منه مستغنى عنه وهين لا بد منه وفي باريد الحارث

وجاء الضارب اجل زيد لان البدل في نية تكرار العمل

وبالحارث والضارب زيد متعنا الاسماء

العاملة المشبهه بالافعال وهي انما تحسنه الاول

المصدر وهو اسم محدث الذي منه الفعل ويعمل على فله

مطلقا الا ان كان مفعولا مطلقا الا اذا كان زيدا

عن الفعل فوجهان والاكثر ان يضاد الى فاعلها ولا

يتقدم معمول عليه واعماله مع اللام ضعيف كقولك

صلى الله عليه وسلم

انما هو من جنس خبره

انما هو من جنس خبره

انما هو من جنس خبره

انما هو من جنس خبره

انما هو من جنس خبره

انما هو من جنس خبره

انما هو من جنس خبره

انما هو من جنس خبره

انما هو من جنس خبره

انما هو من جنس خبره

انما هو من جنس خبره

انما هو من جنس خبره

انما هو من جنس خبره

النكابة أعدائه بخال الفرار بواخ الاجل **الاسم**

الفاعل واسم المفعول فاسم الفاعل ماد لعل حدث وغلة

على معنى الحدث فان طائفة كان صلة لال عمل طلقا

والاشتراط كونه للحال والاستقبال واعتمادا على

استفهام او مخبرية وموصو او ذي حال ولا يعلم

الماضي خلا للكتا وكليم باسطا راعيه بالصيد

مكان حال جالة واسم المفعول هو ماد لعل حدث مفعوله

وهو العمل بشرط كونه **الاسم** الصفة المشبهة

وهي ماد لعل حدث فاعله على معنى التثنية وتثنية عن اسم الفاعل

النكابة معدته بخال الفرار بواخ الاجل اسم
الفاعل واسم المفعول فاسم الفاعل ماد لعل حدث وغلة
على معنى الحدث فان طائفة كان صلة لال عمل طلقا
والاشتراط كونه للحال والاستقبال واعتمادا على
استفهام او مخبرية وموصو او ذي حال ولا يعلم
الماضي خلا للكتا وكليم باسطا راعيه بالصيد
مكان حال جالة واسم المفعول هو ماد لعل حدث مفعوله
وهو العمل بشرط كونه الاسم الصفة المشبهة
وهي ماد لعل حدث فاعله على معنى التثنية وتثنية عن اسم الفاعل

بصوغها من اللام دون المتعد كن وضع بعم جوا

كونها صلة لا ونعلا من غير شرط وان ومخالفة

في العمل بعم جوا فانها على المضارع والمفعول هاتك

حالات الوقع بالفاعلية والنصب على المفعول ان كان

معرفة وعلى التميز ان كان نكرة والجري بالاضافة وهي مع

كل من هذه الثلاثة امام مفعولة باللام او لا والمفعول

مع كل من التثنية امام مفعول او باللام او جري مضارع فاقية

عشرنا الممنوع الحسن وجهه والحسن وجهه واختلف في حسن

وجهه اما الباقي فالاحسن والاضمير الواحد هو تسعة

النكابة معدته بخال الفرار بواخ الاجل اسم
الفاعل واسم المفعول فاسم الفاعل ماد لعل حدث وغلة
على معنى الحدث فان طائفة كان صلة لال عمل طلقا
والاشتراط كونه للحال والاستقبال واعتمادا على
استفهام او مخبرية وموصو او ذي حال ولا يعلم
الماضي خلا للكتا وكليم باسطا راعيه بالصيد
مكان حال جالة واسم المفعول هو ماد لعل حدث مفعوله
وهو العمل بشرط كونه الاسم الصفة المشبهة
وهي ماد لعل حدث فاعله على معنى التثنية وتثنية عن اسم الفاعل

بصوغها من اللام دون المتعد كن وضع بعم جوا
كونها صلة لا ونعلا من غير شرط وان ومخالفة
في العمل بعم جوا فانها على المضارع والمفعول هاتك
حالات الوقع بالفاعلية والنصب على المفعول ان كان
معرفة وعلى التميز ان كان نكرة والجري بالاضافة وهي مع
كل من هذه الثلاثة امام مفعولة باللام او لا والمفعول
مع كل من التثنية امام مفعول او باللام او جري مضارع فاقية
عشرنا الممنوع الحسن وجهه والحسن وجهه واختلف في حسن
وجهه اما الباقي فالاحسن والاضمير الواحد هو تسعة

الحال منه في عينه لانه بمعنى الفعل
موانع صرف الاسم سبع فجعة وجمع وفانث وعدل
ومعرف وزايدنا فعلا نتم تركيب كذا لك وزن
الفعل والناسع الصفة تثنان منها تمتع الصفة
الاسم هكذا بوحدة ناسفها لمضعفة فالجعة
يمنع صرف العلم العلمية بشرط زيادة على اللش
كبراهيم ولا اتركه لا وسطا عند الاكثر والجمع
يمنع صرف وزن مفاعل ومفاعيل كدراهم ودنانير بالناس
عن غلبن والحقبة معطاف للاصل وسراويل للشبه
والثاني

عدلت منع صرف اندر لغت نه بيش نيت
عدل ونوفت ودر وصف تركيب وزن جمع ونايت ولف دريش وزن زائد
والثاني ان كان بالفج جلي وجرأ ناب عن غلبن والاضف
صرف العلم ان كان بالناء كلمة او زائد على اللش
ككتب او تحرك الوسط كسفر او عجا كجوز فلا يمتنع
هذه خلافا للزجاج والاولى ان يعدل تمتع صرف العلم الصفة
المعدولة عن اصلها كربع وكرخه فمرت
اخراد القياس بشوة اخر لان اسم التفضيل مجرد عن
والاضاف مفرد مذكر دائما وبقيت العدل فيما يمتنع
منصرف وليس فيه سوى العلمية كخول وعمر بتقدير
وعامر والتعرف بشرط تاني في منع الصر العلمية والالف
بكر علامت كد اول ودرخت بعد ودرهم عدل

٢٤

٢٥

٢٦

٢٧

٢٨

٢٩

٣٠

٣١

٣٢

سلام علی خیر الانام و سید
حبیب الاملاتی رحمہ ص

النون يجمع ضربا من العلم كمران والوصف الغير القابل
 للناكس كمران فمران منصوب ودرج من مخرج والتركيب
 المرحي يجمع ضربا من كعلبك ودرج الفعل والاختصاص
 بالالفعل او فاعله ابدى وابداه وجمع ضربا من العلم كمران
 والوصف الغير القابل للناكس كمران فمران منصوب ودرج من مخرج والتركيب

في قوله النافاربع في حرف ينسب اربع منصرف
 فيه وعدم قبوله النافاربع في حرف ينسب اربع منصرف
 لو جهل جميع الباب ينسب مع اللام واللاضافه والمنصرف
 فيما يتعلق بالانفعال الخبط المضارع عبالا
 منه احد اثق الخبط

د عر الناصب والجازم وينصب باربعه احق
 لدنفي المستقبل وكن معناها السببه وان هي
 المصارع وانما الواو او
 تنصب في السببه
 فتم نظير هذا في نصب
 فاعل في زمان يطرده

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن
موسى عليه السلام
الذي جعل القرآن
موسى عليه السلام
الذي جعل القرآن
موسى عليه السلام

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكما
والنور يجمع صفة العلم كمران والوصف الغفران
لنا كسكران فمران منصرف ومن مع التركيب

والنور يجمع صفة العلم كمران والوصف الغفران
لنا كسكران فمران منصرف ومن مع التركيب

فقد تحققت ان يكون الفعل منصرفا
والنور يجمع صفة العلم كمران والوصف الغفران
لنا كسكران فمران منصرف ومن مع التركيب

فقد تحققت ان يكون الفعل منصرفا
والنور يجمع صفة العلم كمران والوصف الغفران
لنا كسكران فمران منصرف ومن مع التركيب

فقد تحققت ان يكون الفعل منصرفا
والنور يجمع صفة العلم كمران والوصف الغفران
لنا كسكران فمران منصرف ومن مع التركيب

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكما

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكما

فقد تحققت ان يكون الفعل منصرفا
والنور يجمع صفة العلم كمران والوصف الغفران
لنا كسكران فمران منصرف ومن مع التركيب

فقد تحققت ان يكون الفعل منصرفا
والنور يجمع صفة العلم كمران والوصف الغفران
لنا كسكران فمران منصرف ومن مع التركيب

فقد تحققت ان يكون الفعل منصرفا
والنور يجمع صفة العلم كمران والوصف الغفران
لنا كسكران فمران منصرف ومن مع التركيب

فقد تحققت ان يكون الفعل منصرفا
والنور يجمع صفة العلم كمران والوصف الغفران
لنا كسكران فمران منصرف ومن مع التركيب

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكما

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكما

والفعل الماضي يختص لمصاحف اداة الشرط نحو ان
لن تقم ام ويجوز انقطاع بعدها نحو لم يكن ثم كان ويختص

لما يجوز ان حذف حرفها نحو فان لم يكن ولما ويكونه قاعدا

غالبا كقولك لما يركب الامر للتوقع بركوبه ما يخرج فعله

فعلين وهو ان لو واذا وما وفي واي وان وا

ومهما ابن جهماء الاولان حرفان والباقي اسماء على الا

شهر وكل واحد منها يقتضيه شرط وجاء ما ضمني او قضا

او مختلفين فان كانا مضارعين الاولان الجزم وان كان

الثاني وحدهما الوجها وكل جاء بمنع جعله شرطيا فالاول

والثاني وحدهما الوجها وكل جاء بمنع جعله شرطيا فالاول

ليعد به
واي زعمه ان بعد لام الحمد لا نه في قوله
فان فعله مع الفعل فلا بد ان زعمه ان بعد لام الحمد لا نه في قوله

بكونه منفي نحو وما كان الله ليعذبهم او يعطيهم الا

نحو لا زمنك او تعطي حقى فاء السببه واول المعنى

المستبين بنفى وطلب كزنى فاكرك ولا تاكل السمك

ونسب اللبن وحقى معنى الا او كذا اذا ارد الاستقبال

اسمى نعتا الشمس واسمى نعتا الشمس واسمى نعتا الشمس

كانت حوائدا والجواز نوعان فالاول ما يجزى

فعلا ولحا وهو اربعة احز اللام ولأه الطلبان
مخلوقهم زيد ولا تشرك بالله ولم ولما تشرك في التثنية

والفعل

فعل صاعده ان كان من افعال صاعده
فعل صاعده ان كان من افعال صاعده
فعل صاعده ان كان من افعال صاعده
فعل صاعده ان كان من افعال صاعده

او ما ضياء مفروقاً ينفذ نحو ان يقيم فانا اقوم او فاكيفه افسه

ان اقوم او ففقت **فعل** ونحو بعد الطلوع ففقت

مع ففقت السيد نحو ذني اكرمك ولا تكفر بدخل الجنة

ومن ثم افسح بديل الناديا الخرج لفسا المعنى **فعل** افعلا

المليح واليدم افعال وضع لا نشاء مدح او ذم ففها نم

وبليس ونباء وكل منيها برفع فاعلا مع فبال ومضافا

الى المعرف بها او ضمير امسره افسر بتميز ثم بذكر المخصوص

مطابقا للفاعل ويجعل مبداء مقدم الخبر او خبر المحدث

فعل صاعده ان كان من افعال صاعده
فعل صاعده ان كان من افعال صاعده
فعل صاعده ان كان من افعال صاعده
فعل صاعده ان كان من افعال صاعده

المبتدأ نحو نعم المنة وبليست نساء الرجل الهنداني وساجلا

زبد وفيها حيا لا حيا الكرم وبليست والفاعل اطفالا

وبعد المخصوص وللان ثاني قبله وبعد لا بتميز او حال

على وقفه نحو هذا الزندان وجلين وجدا وكا جندا

احي هند **فعل** افعلا النجف فعلان وضعا لا نشاء

النجف وهما افعلة وافعل به ولا يبينان الاماين في اسم

الفصل وينوصل الى الفاعل باشد واشد به ولا

يصفى فيهما وما مبداء اتفاقا وهله بمعنى شيئا

خبرها او موصو وما بعدها اصلها والخبر مختلف

فعل صاعده ان كان من افعال صاعده
فعل صاعده ان كان من افعال صاعده
فعل صاعده ان كان من افعال صاعده
فعل صاعده ان كان من افعال صاعده

فعل صاعده ان كان من افعال صاعده
فعل صاعده ان كان من افعال صاعده
فعل صاعده ان كان من افعال صاعده
فعل صاعده ان كان من افعال صاعده

فعل صاعده ان كان من افعال صاعده
فعل صاعده ان كان من افعال صاعده
فعل صاعده ان كان من افعال صاعده
فعل صاعده ان كان من افعال صاعده

فمن كان له من الغنى ما كان له من الفقر

وكان لا يقول الا قول الله

استلزام

1/2/1954

المفتي

لو كان حذف الزم

وكان الاول من

5. 15. 1952

ویداعلم

[Handwritten notes in Persian script]

کوی فیض و رحمت و ایام مبارک است
 منقسم است به دو بیت
 ایام مبارک است
 کوی فیض و رحمت و ایام مبارک است
 منقسم است به دو بیت
 ایام مبارک است
 کوی فیض و رحمت و ایام مبارک است
 منقسم است به دو بیت
 ایام مبارک است

والاستغناء ولا بد لها من رابطة فالاسمية بالواو والضمير واحد هما
لفعله ان كان مبتدأ بمضارع مثبت يكون قلبا للضمير
فجاءني زيد بفتح او معهما مع الواو نحو لم يزدوني وقد علم
والانكا الاسمية ولا يدمع الماضي المبتدأ وقد ولت قد
الواقعة مفعولا بها وتقع محكية بعد القول نحو
قال في عبدا لله ومفعولا ثانيا للباب الظن وثالث للباب العلم
ومعلقا عنها العامل نحو لعلم اني اخبر بين احصى وقد شق
عن الفاعل ويختص للباب القول نحو قال زيد لعالم
المضاف اليها وتقع بعد ظرف الفان نحو والسلام على يوم ولد
واذكروا

باب الظن

واذكروا

واذكروا اذ انتم قليل وبعلت ولا يضاف الجملة من ضرورة الملك
سواها والاكثر اضافتها الى الفعلية الواقعة جوابا لاسم
جاءم مفرونة بالفاء او باذ الفجائية وحملها الجرم نحو من نضل
لله فلا هادي له وان يصهم سنة بما قدمت ايديهم اذ هم
واما ان تقوم وان فتفت فالحرف فيه للفعل وحده النابعة
لمفرد وحملها بحسبها نحو واتيقيوها ترجون فيه الى الله ونحو
اولم يروا الطير فوقهم صافات ويغصن النابعة الجملة
لها محل وحملها بحسبها نحو زيد قام وقعد ايوب بالعطف على الصغر
وتقع بلا شرط كونها او في بنائية المرد نحو قولهم ارحل افعين
واذكروا

باب الظن

واذكروا

Handwritten marginal notes at the top of the right page, including the phrase "لا بد لها من رابطة" (It must have a bond).

الاستقامة ولا بد لها من رابطة فالاسمية بالواو والضم واخذها وا

لفعلية ان كانت مبدوءة بمضارع مثبت بدون قلبا الضمير

نحو جاني زيد يسرع او معها مع الواو نحو لم تودوني وقد فعل

والانكاس الاسمية ولا بد مع الماضي المثبت من قد ولو تعدت

المواقعة مفعولا بها واقع محكية بعد القول نحو

قال في عباده ومفعولا ثانيا لباي الظن والثالث لباي العلم

ومعلقا عنها العامل نحو لعلم اني اخرج بين حصي وقد تيقن

عن الفاعل ونحو انك لباي القول نحو قال زيد عالم

المضاق بها واقع بعد صرف الظن نحو والسلام على يوم ولد

Extensive handwritten marginal notes on the right side of the right page, providing grammatical analysis and examples.

واذكروا

Handwritten marginal notes at the top of the left page, including the phrase "لا بد لها من رابطة" (It must have a bond).

الاسمية بالواو والضم واخذها وا

لفعلية ان كانت مبدوءة بمضارع مثبت بدون قلبا الضمير

نحو جاني زيد يسرع او معها مع الواو نحو لم تودوني وقد فعل

والانكاس الاسمية ولا بد مع الماضي المثبت من قد ولو تعدت

المواقعة مفعولا بها واقع محكية بعد القول نحو

قال في عباده ومفعولا ثانيا لباي الظن والثالث لباي العلم

ومعلقا عنها العامل نحو لعلم اني اخرج بين حصي وقد تيقن

عن الفاعل ونحو انك لباي القول نحو قال زيد عالم

Extensive handwritten marginal notes on the right side of the left page, providing grammatical analysis and examples.

Extensive handwritten marginal notes on the left side of the left page, providing grammatical analysis and examples.

Handwritten marginal notes at the top of the right page, including the name 'عبد الله بن عبد الرحمن' and other names.

الاستغناء ولا بد لها من رابطة فالاسمية بالواو والضمير واحد هما وا
لفعلية ان كانت مبدوءة بمضارع مثبت تدون قلبا الضمير
فجوابني بدسبع او معهما فاع الوانحو له تؤذوني وقد فعلت

والانكاسية ولا يدع الماضى مثبتا فلو قد ولو قد
الواقعة مفعولا بها واقع حكمة بعد القول نحو

قال في عبد الله ومفعولا ثانيا للباب الظن وثالثا للباب اعلم
ومعلفا عنها العامل نحو لعلم اني اخبر بين احصى وقد شوب

عن الفاعل ونحو اني القول نحو يقال زيد عالم
المضاف اليها وقع بعد ضم النحوي والسلام على يوم ولد تصف
واذكروا

Handwritten marginal notes at the top of the left page.

لأن من هنا منتهى
جاء مفروقه بالفاء او بواو جاب
سواء

والنقص بالماضي هو ان يضاف اليه الضمة او الكسرة
فان كان يضاف اليه الضمة كان مفعولا به
فان كان يضاف اليه الكسرة كان مفعولا به

اوله بركو لا الطبر ففهم صافات ونقص
لها محل وحملها بحسبها نحو زيد قام وقعدا يوب بالاعطف على الصغر
وقد لا يشرط كونها او في بناديه المرد نحو قوله رجل ففهم

تفصيل **الأول** لما لا محل لها المسانفة وهي المفتحة بها الكلام

أو المنقطعة عما قبلها نحو فلا يخرجك قولهم إن الغزاة جميعا وكذا

جملة العالقة على المفعلي لآخرها أما المفعلي لتوسط جملة معترضة

المعترضة وهي المتوسطة بين شيئين من شأنهما اتصال

توسط اجتناب بينهما وقوع غالب بين الفعل ومفعوله والمنشاء

وجوه والموصو وصلته والقسم وجوابه والموصو والضمير

المقترن وهي الفصلة الكاشفة لما تليها نحو إن مثل عيسى عند الله كمثل

آدم خلفه من ترائي الأصح أنه لا محل لها وقبلها محسب ما يقتضيه

صلة الموصو ونشأ كونها خبرية معلومة للمخاطب مشتملة على ضمير

للموصو

هذا هو الأصل في قوله لا محل لها المسانفة وهي المفتحة بها الكلام أو المنقطعة عما قبلها نحو فلا يخرجك قولهم إن الغزاة جميعا وكذا جملة العالقة على المفعلي لآخرها أما المفعلي لتوسط جملة معترضة المعترضة وهي المتوسطة بين شيئين من شأنهما اتصال توسط اجتناب بينهما وقوع غالب بين الفعل ومفعوله والمنشاء وجوه والموصو وصلته والقسم وجوابه والموصو والضمير المقترن وهي الفصلة الكاشفة لما تليها نحو إن مثل عيسى عند الله كمثل آدم خلفه من ترائي الأصح أنه لا محل لها وقبلها محسب ما يقتضيه صلة الموصو ونشأ كونها خبرية معلومة للمخاطب مشتملة على ضمير للموصو

منها

فإنما لا محل لها المسانفة وهي المفتحة بها الكلام أو المنقطعة عما قبلها نحو فلا يخرجك قولهم إن الغزاة جميعا وكذا جملة العالقة على المفعلي لآخرها أما المفعلي لتوسط جملة معترضة المعترضة وهي المتوسطة بين شيئين من شأنهما اتصال توسط اجتناب بينهما وقوع غالب بين الفعل ومفعوله والمنشاء وجوه والموصو وصلته والقسم وجوابه والموصو والضمير المقترن وهي الفصلة الكاشفة لما تليها نحو إن مثل عيسى عند الله كمثل آدم خلفه من ترائي الأصح أنه لا محل لها وقبلها محسب ما يقتضيه صلة الموصو ونشأ كونها خبرية معلومة للمخاطب مشتملة على ضمير للموصو

للموصول المجاب بها القسم نحو قسم والقرآن الحكم

لن المسلمين ومقتضى اجتماع شرط وقسم كقوله في جواب المقدم منها

أذا تقدمت ما ينبغي أن يفكر في جواب الشرط مطلقا

المجاب بها شرط غير جازم نحو إذا اجتنب كرمك وفي حكمه شرط جازم

ولم يقترن بالفاء ولا بإذ الفجائية أن تقدم

لا محل له نحو جاني زيد أكرمه إذا لم يحل الأو لا يتقدم

في حكم الجازم والجور والظرف إذا وقع أحدهما بعد

المعزة المحضة خال والنكرة المحضة صفه أو غير محض فحمله

لها ولا بد من تعلفها بالفعل أو ثمانية راجحة وبجملتها

للموصو

فإنما لا محل لها المسانفة وهي المفتحة بها الكلام أو المنقطعة عما قبلها نحو فلا يخرجك قولهم إن الغزاة جميعا وكذا جملة العالقة على المفعلي لآخرها أما المفعلي لتوسط جملة معترضة المعترضة وهي المتوسطة بين شيئين من شأنهما اتصال توسط اجتناب بينهما وقوع غالب بين الفعل ومفعوله والمنشاء وجوه والموصو وصلته والقسم وجوابه والموصو والضمير المقترن وهي الفصلة الكاشفة لما تليها نحو إن مثل عيسى عند الله كمثل آدم خلفه من ترائي الأصح أنه لا محل لها وقبلها محسب ما يقتضيه صلة الموصو ونشأ كونها خبرية معلومة للمخاطب مشتملة على ضمير للموصو

للموصول المجاب بها القسم نحو قسم والقرآن الحكم

لن المسلمين ومقتضى اجتماع شرط وقسم كقوله في جواب المقدم منها

أذا تقدمت ما ينبغي أن يفكر في جواب الشرط مطلقا

المجاب بها شرط غير جازم نحو إذا اجتنب كرمك وفي حكمه شرط جازم

ولم يقترن بالفاء ولا بإذ الفجائية أن تقدم

لا محل له نحو جاني زيد أكرمه إذا لم يحل الأو لا يتقدم

في حكم الجازم والجور والظرف إذا وقع أحدهما بعد

المعزة المحضة خال والنكرة المحضة صفه أو غير محض فحمله

لها ولا بد من تعلفها بالفعل أو ثمانية راجحة وبجملتها

للموصو

فإنما لا محل لها المسانفة وهي المفتحة بها الكلام أو المنقطعة عما قبلها نحو فلا يخرجك قولهم إن الغزاة جميعا وكذا جملة العالقة على المفعلي لآخرها أما المفعلي لتوسط جملة معترضة المعترضة وهي المتوسطة بين شيئين من شأنهما اتصال توسط اجتناب بينهما وقوع غالب بين الفعل ومفعوله والمنشاء وجوه والموصو وصلته والقسم وجوابه والموصو والضمير المقترن وهي الفصلة الكاشفة لما تليها نحو إن مثل عيسى عند الله كمثل آدم خلفه من ترائي الأصح أنه لا محل لها وقبلها محسب ما يقتضيه صلة الموصو ونشأ كونها خبرية معلومة للمخاطب مشتملة على ضمير للموصو

للموصول المجاب بها القسم نحو قسم والقرآن الحكم

لن المسلمين ومقتضى اجتماع شرط وقسم كقوله في جواب المقدم منها

أذا تقدمت ما ينبغي أن يفكر في جواب الشرط مطلقا

المجاب بها شرط غير جازم نحو إذا اجتنب كرمك وفي حكمه شرط جازم

ولم يقترن بالفاء ولا بإذ الفجائية أن تقدم

لا محل له نحو جاني زيد أكرمه إذا لم يحل الأو لا يتقدم

في حكم الجازم والجور والظرف إذا وقع أحدهما بعد

المعزة المحضة خال والنكرة المحضة صفه أو غير محض فحمله

لها ولا بد من تعلفها بالفعل أو ثمانية راجحة وبجملتها

للموصو

مثال موقفه جفنة مثال نكرة جفنة
خو مررت بزيد خو مررت برجل
عندي عندي

مثال موقفه جفنة مثال نكرة جفنة
خو مررت بزيد خو مررت برجل
عندي عندي

مثال موقفه جفنة مثال نكرة جفنة
خو مررت بزيد خو مررت برجل
عندي عندي

مثال موقفه جفنة مثال نكرة جفنة
خو مررت بزيد خو مررت برجل
عندي عندي

مثال موقفه جفنة مثال نكرة جفنة
خو مررت بزيد خو مررت برجل
عندي عندي

مثال موقفه جفنة مثال نكرة جفنة
خو مررت بزيد خو مررت برجل
عندي عندي

مثال موقفه جفنة مثال نكرة جفنة
خو مررت بزيد خو مررت برجل
عندي عندي

مثال موقفه جفنة مثال نكرة جفنة
خو مررت بزيد خو مررت برجل
عندي عندي

مثال موقفه جفنة مثال نكرة جفنة
خو مررت بزيد خو مررت برجل
عندي عندي

مثال موقفه جفنة مثال نكرة جفنة
خو مررت بزيد خو مررت برجل
عندي عندي

مثال موقفه جفنة مثال نكرة جفنة
خو مررت بزيد خو مررت برجل
عندي عندي

اذا كان احد هما صفة او صلة او خبر او حالا او اذا كان كذلك

او عمل على نحو الاستفهام جاز ان يرفع الفاعل نحو جاني الذي في الآية

ابوه وما عندى احد وانى الله شد

الهمزة حرف ترفع للنداء الفرك المتوسط والمضارع والتثنية

وهي الداخلة على جملة في محل المصدح سواء علمت نذرهم

نذرهم لا يؤمنون وللستفهام فطلبها التصديق

ازيدى الذراع عمى والى الدار يندام في السو بخلاف هل اختصا

بالصدق ان بالفج والتخفيف تراسمية وعرفية فالاسمية

هي ضمير الخطاب كانت وانما انما بعدا في الخطا اتفاقا واخر

في ضمير الخطاب كانت وانما انما بعدا في الخطا اتفاقا واخر

الحرفية ترد ناصبه للمضارع وخففة من المفعلة ومفسرة وشرطها

التوسط بين الجملتين او لهما معنى القول وعدم دخول جار عليها

يدة وتقع غالبا بعد الواو بين القسم ولوان بالكر والخففة

شرطية ونافية نحو ان الكافرون الا في عرو وخففة من المفعلة

نحو وان كل بالجميع كذا محضرة قراءة التخفيف متى جمعت

انها ما المتأخر منها زائدة وان بالفج والتثنية واكد

وناول مع معمولها بمصد في لفظها ان كان متبعا بالكون

ان كان جامدا نحو بلغني انك منطلق وان هذا زائد وان بالكر

للتثنية ترد تاكيد نصب الاسم وترفع الخ ونصبهما لغرض

للتثنية ترد تاكيد نصب الاسم وترفع الخ ونصبهما لغرض

الحرفية ترد ناصبه للمضارع وخففة من المفعلة ومفسرة وشرطها

التوسط بين الجملتين او لهما معنى القول وعدم دخول جار عليها

يدة وتقع غالبا بعد الواو بين القسم ولوان بالكر والخففة

شرطية ونافية نحو ان الكافرون الا في عرو وخففة من المفعلة

نحو وان كل بالجميع كذا محضرة قراءة التخفيف متى جمعت

انها ما المتأخر منها زائدة وان بالفج والتثنية واكد

وناول مع معمولها بمصد في لفظها ان كان متبعا بالكون

ان كان جامدا نحو بلغني انك منطلق وان هذا زائد وان بالكر

للتثنية ترد تاكيد نصب الاسم وترفع الخ ونصبهما لغرض

للتثنية ترد تاكيد نصب الاسم وترفع الخ ونصبهما لغرض

للتثنية ترد تاكيد نصب الاسم وترفع الخ ونصبهما لغرض

للتثنية ترد تاكيد نصب الاسم وترفع الخ ونصبهما لغرض

قوله تعالى ان هذا ناسخ من الذي كان في قلبك مما تظن انك لن تجد عليه من الايات الا ان الله قد اخبرك بما كنت تعمل

ادّو دطرا لما صي مدخل على مجلدين ولبعضهما اسم

نقدتیر حسین از آنانند

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا هذا كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والمفاجات فخص بالاسم والخلف فيها كما هو امر

فصله ونقطه فالمصلة المربعة ما بعد ما قبلها

بعضی از سوره و الا سبها و الم قطع بل و می

Handwritten text in Arabic script, likely a title or header, including the phrase "بسم الله الرحمن الرحيم" (In the name of Allah, the Most Gracious, the Most Merciful).

[Faint handwritten notes in Arabic script, likely bleed-through from the reverse side of the page.]

[illegible][illegible]

اما بالكسر والتشديد وعطف على الشهو ونزل للنفصل

أَحْوَامُ سَالِرٍ وَأَمَّا فَهْرٌ أَوْ لَا بَهَامٌ وَأَشْكٌ وَاجِبٌ وَاجِبٌ

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

عليه السلام

برهان ابروین

وقد جرت تلاخيص من غير ان يقدّمها
ولم يأت بها الا في نسخة واحدة
فقدما على ما وجدته في نسخة اخرى
في الامام كوخداية
في نسخة اخرى
جاءت في نسخة اخرى
نقطة الصمدية
الفرق بين الالف واللام في الآية
بكونه في خلاف اخر فخص

قوله تعالى ان هذان لساحران يريد بامتناع اللام في هذا السبيل

أد تود ظرك للماضي فدخل على الجليلين وقد بضاف اليها اسمها
 خفوتها وبه منة والمناجات بعد نمازها وهاه خديط

نحو حیدر و یومئذ ولما جات تغیرهما ونیسا وهاج حیدر
او حق خلاف از اردو ظریا المسقبل مضایف المشرطها وینضبط بحوالها

وَيُخَصِّنَا الْفَعْلَةَ وَذَا السَّمَاءِ نَشَقَّتْ مِنَّا

والمفاجات فخص بالسمية والخالف فيها كما هو المذهب
والفاجات فخص بالسمية والخالف فيها كما هو المذهب

منفصله ومنقطعة فالمتصلة المربطة ما عابدها بما قبلها واقع
 تحت منفصلة لان ما قبله لا يسبق من قبلها حرف
 منقطع

بعضه التسوية والاستفهام والمنطقة كل حرف عربي
بعضه التسوية والاستفهام والمنطقة كل حرف عربي

[illegible]

وقع اذ الف
 حات بهي
 سكره سكره
 فبر اذ ضح
 رقع اذ

[illegible]

(Faint handwritten notes in Arabic script)

۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

لِلزَّوْجَةِ الْفَاءُ وَغَوْضٌ بَيْنَهُمَا غَيْرُهُمَا خِيَامٌ وَمَا فِي جِزَاهُمَا

اقوال وقد بينا في فارق التفضل كما الواقعة في ايامنا
 وفي بعضهم ان احدنا فقبت منه امرأة فصار ما يقع في
 الذم من الميع فصار ما واذا في الميع الميع فصار ما
 اما بالكل والاشهاد وعطف على المشقة وتوذي النفس

أما بالكسر والتشديد حرف عطف على المشهور وتروى للنفس
نحو أمّا شاكراً أو أمّا كافوراً أو لا إله إلا الله والشك والخير وال

وَأَمَّا الْأَرْثَةُ فَلِلْمَعْطُوفِ عَلَيْهِ بِهَا وَلَاتُنْفَكْ عَنْ الْوَأَوِّ

غالباً أتى بالفح والتشديد اسم شرط هو أبان ما ندعو
حال من امره حاله في قوله تعالى

الاسماء الحسنی واسم استفهام نحو ای الرجلین فام ود الله

على معنى الكمال اخو رب جلالي جل و صله للنداء ذي

البرجاء



اللام نحو يا ايها الرجل موثوق ولا يرب من الموثوق سواها

نحو اكرم ابا اكرمك بلحز عطف تفيد بعد الاثبات

عن المخطوطة بعد النفي انتهى تقريركم الاول واثباته

للتاني ونقل حكمه اليه عند بعض شاتر الاستثناء

حرف جار او فلان جامدا وفعلا مستغابا المصداق

مما قبلها واسم فاعل او بعض مفهوم منه والتزيم

وهي اسم بمعنى براءة او فعل بمعنى تيمنا واسم فعل بمعنى

خالفني ترد عاطفة نحو اقوى واضعف كسلة ذهنية

وتختص بالظاهر عند بعض حرف ابتداء قد خال الجار

فختص بالظاهر عند بعض حرف ابتداء قد خال الجار

فختص بالظاهر خلفا للبر وقد نصب بعدها المضارع

مضمرة اليها خلافا للكوفين الفاترة رابطة للجواب المنع

جعلها شرطاً وحضرت ستة مواضع ولرابطة شبه الجواب

نحو الذي يتفله درهم وعاطفة فقيد التعقيب والترتيب

فالحقيقي نحو فام زيد فعمرو والذكرى نحو فنادى نوح بنه فلان

وقد يقيدن بلاحها على سابقها فتسمى فاء السببية نحو واتزل

من السماء ماء فصبح الارض حمرة وقد يخرج باسم التثنية والتفريق

وقد يثنى عن محذوف فتسمى فضة عند بعض نحو فاضب يعصا الحجر

فجرت قد تروا سما بمعنى يكفي او حسب قد في او قد في درهم وجر

فختص بالظاهر عند بعض حرف ابتداء قد خال الجار

Handwritten marginal notes in Arabic script, including phrases like 'فختص بالظاهر' and 'مضمرة اليها'.

Handwritten marginal notes in Arabic script, including phrases like 'جعلها شرطاً' and 'نحو الذي يتفله'.

Handwritten marginal notes in Arabic script, including phrases like 'وقد يقيدن بلاحها' and 'من السماء ماء'.

Handwritten marginal notes in Arabic script, including phrases like 'فجرت قد تروا سما' and 'فختص بالظاهر'.

Handwritten marginal notes in Arabic script at the top right of the page.

Handwritten marginal notes in Arabic script on the right side of the page.

Handwritten marginal notes in Arabic script on the right side of the page.

Handwritten marginal notes in Arabic script at the bottom right of the page.

الاستغناء عن الماضي في الماضي...
الاستغناء عن الماضي في الماضي...
الاستغناء عن الماضي في الماضي...

تقليل مع المضارع وتحقيق مع الماضي...
تقليل مع المضارع وتحقيق مع الماضي...

من الحال ومن ثم التوفيق في الحالة...
من الحال ومن ثم التوفيق في الحالة...

قطر قد اسم فعل ماضٍ...
قطر قد اسم فعل ماضٍ...

فقط وظف الاستغناء...
فقط وظف الاستغناء...

منفردا كخبرية واستفهام...
منفردا كخبرية واستفهام...

إلى التميز ولزوم الصدق...
إلى التميز ولزوم الصدق...

الاستغناء حية بنصه...
الاستغناء حية بنصه...

كيف تصنع اصنع فترجم...
كيف تصنع اصنع فترجم...

خبر في نحو كيف...
خبر في نحو كيف...

خبر في نحو كيف...
خبر في نحو كيف...

خبر في نحو كيف...
خبر في نحو كيف...

خبر في نحو كيف...
خبر في نحو كيف...

الاستغناء عن الماضي في الماضي...
الاستغناء عن الماضي في الماضي...

الاستغناء عن الماضي في الماضي...
الاستغناء عن الماضي في الماضي...

زيدا وحالا في نحو كيف...
زيدا وحالا في نحو كيف...

شرطها واستلزامها...
شرطها واستلزامها...

شرطية وليست جازمة...
شرطية وليست جازمة...

ومصداق وقلة...
ومصداق وقلة...

وتختص بالاسمية...
وتختص بالاسمية...

وللتوضيح فتخص بالماضي...
وللتوضيح فتخص بالماضي...

لما ترد لزوم مضمون...
لما ترد لزوم مضمون...

قمت هل جازم...
قمت هل جازم...

عليها حافظ وجازمة...
عليها حافظ وجازمة...

عليها حافظ وجازمة...
عليها حافظ وجازمة...

عليها حافظ وجازمة...
عليها حافظ وجازمة...

عليها حافظ وجازمة...
عليها حافظ وجازمة...

الاستغناء عن الماضي في الماضي...
الاستغناء عن الماضي في الماضي...

الاستغناء عن الماضي في الماضي...
الاستغناء عن الماضي في الماضي...

الاستغناء عن الماضي في الماضي...
الاستغناء عن الماضي في الماضي...

الاستغناء عن الماضي في الماضي...
الاستغناء عن الماضي في الماضي...

در این کتاب که در این روزها
در این کتاب که در این روزها
در این کتاب که در این روزها

فَاعِلَةُ الْفَاعِلِ مِنْ لُغَاتِ
الْعَرَبِ وَالْفَارْسِ وَالْإِنْدِي
الْإِسْلَامِيَّةِ وَالْإِسْلَامِيَّةِ
الْعَرَبِ وَالْفَارْسِ وَالْإِنْدِي
الْإِسْلَامِيَّةِ وَالْإِسْلَامِيَّةِ

تخصیص کلماتی که در این کتاب
تخصیص کلماتی که در این کتاب
تخصیص کلماتی که در این کتاب

از این کتاب که در این روزها
از این کتاب که در این روزها
از این کتاب که در این روزها

این کتاب که در این روزها
این کتاب که در این روزها
این کتاب که در این روزها

